



گفتارهای فاطمی

برگزیده بیانات

آیت الله حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی دامت برکاته

مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

والتصليوة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله الطاهرين
ولعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين

سرشناسه: فاضل لنکرانی، محمدجواد، ۱۳۴۱ - .
عنوان و نام پدیدآور: گفتارهای فاطمی؛ برگزیده بیانات آیت الله حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی رحمته الله علیه.
مشخصات نشر: قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۰۰ ش.
مشخصات ظاهری: ۱۱۴ ص.
شابک: ۶- ۱۸۴- ۳۸۸- ۶۰۰- ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۸۴ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
موضوع: فاضل لنکرانی، محمدجواد، ۱۳۴۱ - ، وعظ.
شناسه افزوده: استاد میرزا، ماشاء الله، ۱۳۴۱ - ، گردآورنده.
رده بندی کنگره: ۵ / ۱۵۳ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۶۵۷۶۷

گفتارهای فاطمی

برگزیده بیانات آیت الله حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی رحمته الله علیه

◀ ناشر: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

◀ نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰ ش

◀ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

◀ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

◀ شابک: ۶- ۱۸۴- ۳۸۸- ۶۰۰- ۹۷۸



فهرست مطالب

دیباچه	۷
معرفت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> محور چرخش آفرینش	۹
آفرینش حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> از نور عظمت خدا	۱۳
خدا تعیین کننده همسر زهرا <small>علیها السلام</small>	۲۳
فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> مظهر حسن و نیکویی	۲۹
حقیقت فاطمه <small>علیها السلام</small> فوق همه عناوین	۳۵
فاطمیه و احیاء حقیقت دین	۴۵
فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> پاسدار حریم امامت و ولایت	۵۳
فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> نور محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> و علی <small>علیه السلام</small>	۶۳
فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> نور ساطع خدا (۱)	۶۹
فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> نور ساطع خدا (۲)	۷۵
فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> زداینده جهل و جهالت از بشر	۸۱
نزول جبرئیل بر شخصیت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و محدث بودن حضرت	۸۹
ضرورت بیان فضائل و مصائب حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۹۷
کلمات امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در رثای حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۱۰۷



دیباچه

مجموعه حاضر بخشی از بیانات فقیه ارزشمند حضرت آیت الله حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی (مدظله) است که به مناسبت ایام ولادت و شهادت یگانه درّ عالم وجود، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مجلس درس به شاگردان، یا محافل علمی به فرهیختگان و یا سخنرانی های عمومی بیان کرده اند و در آنها ضرورت کسب شناخت حقیقت و مقام قدسی آن حضرت را متذکر گردیده و با بیان احادیثی ناب از امامان معصوم علیهم السلام به ذکر فضائل بی بی دو عالم پرداخته اند.

معظم له بقية السلف مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالله فاضل قفقازی و آیت الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی رحمتهما الله است که نامشان در دفتر دفاع از حریم ولایت علوی و مخزن الاسرار فاطمی می درخشد.

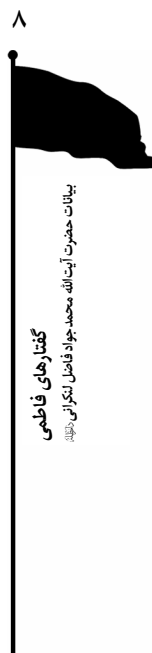
«احیاگر فاطمیه» عنوان درخشانی است که به پاس تلاش های والد گرامی شان در مقام دفاع از حقانیت و مظلومیت صدیقه کبری علیها السلام، مقرون نام آن مرجع فقید گردیده است. بزرگ مرجعی که فرمود: من به اعلامیه هایی که سالیانی چند به مناسبت شهادت حضرت زهرا علیها السلام منتشر نمودم افتخار می کنم و برای قیامت خود به آن چشم دوخته ام.

۷



امید آن که با دعای خیر حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان تراث گران قدر و ماندگار آن مرجع عظیم الشأن، در حفظ، تقویت و ترویج معارف نورانی مکتب اهل بیت علیهم السلام، توفیق روزافزون داشته باشد و تشنگان وادی حکمت و معرفت را از چشمه سار جوشان ولایت سیراب سازد.

ما شاء الله استاد میرزا



معرفت فاطمه زهرا علیها السلام محور چرخش آفرینش^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الصادق علیه السلام: «وَهِيَ الصَّديقَةُ الْكُبْرَى وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى».^۲
بنده خدمت شما هیئات و عزاداران حضرت زهراى مرضیه خیرمقدم عرض نموده و به سهم خود از همه شما تشکر می‌کنم که با برپایی این دسته جات پرشور و باشکوه در ایران و خارج از ایران خصوصاً در شهر مقدس قم دین خودتان را اداء کردید. باید دست همه شما را بوسید. مردم با احیای فاطمیه و این حضور گسترده دین خود را به گوشه‌ای از آن ظلم‌هایی که بر فاطمه زهرا علیها السلام شد و آن خون دل‌هایی که امیرالمؤمنین علیه السلام خورد اداء کردند.

تاریخ احیا فاطمیه از جانب والد راحل ما آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله از آنجا آغاز شد که حدود ۸ - ۷ سال پیش در یک مجله مقاله‌ای نوشته شده بود تحت عنوان «فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه

۱. دیدار با مسئولین هیئات مذهبی قم: ۸ خرداد ۱۳۸۸.

۲. امالی طوسی، ج ۱، ص ۶۶۸.

شهادت»؛ به یاد دارم ایشان وقتی این مقاله را دیدند اشک از چشمانشان جاری شد و در حالی که بدنشان می لرزید فرمودند: ما اینجا نشسته باشیم، آن وقت نسبت به آن همه ظلمی که به حضرت شد، جنینش را سقط کردند، او را بین در و دیوار گذاشتند، حقش را غصب کردند و همه بلاهایی که ممکن بود بر سر خاندان پیامبر در آوردند، امروز یک فرد یاوه‌گو بنویسد «از ولادت تا افسانه شهادت».

ایشان از آن لحظه به بعد آرام و قرار نداشتند و من از آن تاریخ ایشان را نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بی اختیار می دیدم. فرمودند: دیگر زمان آن نیست که به منبر و کتاب و ذکر مصائب اکتفاء کنیم، باید مردم به خیابان‌ها بریزند. دستور دادند هیئات مذهبی را در همین دفتر دعوت کرده و به آنها گفتند: «عزیزان من ما نبودیم که عاشورا را زنده نگه داشتیم، بلکه این مردم بودند که تا کنون با آوردن دسته جات عزاداری به خیابان‌ها عاشورا را زنده نگه داشته‌اند، امروز هم باید فاطمیه را از همین مردم بخواهیم زنده نگه دارند».

شما با این عزاداری با شکوه خود از اذان صبح تا انتهای شب با پای برهنه در خیابان‌های داغ قم، زن و مرد، پیر و جوان، برگ زرینی در تاریخ شیعه ثبت کردید. بنده این نکته را عرض کنم ما خود انقلابی هستیم و جان ما فدای این انقلاب بوده و هست و تا آخر هم خواهد بود انشاء الله، اما بدانید این برگ افتخاری که مردم ما خصوصاً شما قمی‌ها در احیای فاطمیه از خود به ثبت رساندید به مراتب از حدوث انقلاب در ۱۵ خرداد مهم‌تر است. این کار شما یک پیام انقلابی و جهانی دارد و به جهانیان خواهد گفت که روح انقلاب ما فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت ابا عبدالله الحسین علیهما السلام است.



این حرفی نیست که بخواهم من طلبه بگویم، این حرف امام بزرگوار و بزرگان ماست که انقلاب را با تمام وجودشان درک کرده‌اند. دشمنان کور دل ما بدانند انفجار یک بمب در مسجد علی ابن ابیطالب زاهدان و به شهادت رساندن عزاداران فاطمه زهرا علیها السلام سبب نمی‌شود که ما کوتاه بیاییم و دست از حقایق برداریم.

کسانی که این فاجعه را آفریدند از نسل همان افرادی هستند که سقیفه و عاشورا را به وجود آوردند. این کارها بدون هیچ تردید دنباله توطئه استکبار جهانی برای از بین بردن اسلام است که برای خنثی کردن آن همه باید هشیار و بیدار باشند. خاموش باد آن فکر و زبانی که می‌گوید این مسائل مربوط به گذشته تاریخ است و امروز مصرف ندارد.

ما با این حقایق زنده‌ایم، حیات ما و حیات دین ما با این حقایق است. جا دارد که یاد کنم از سه مرجع بزرگ حوزه که بنیانگذار احیای فاطمیه بوده و هستند. والد راحل ما و آیت الله العظمی تبریزی علیه السلام و حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته. که این سه بزرگوار با تمام وجود و با اخلاص کامل و بدون هیچ‌گونه توقعی به این امر اهتمام ورزیدند.

وقتی در این حدیث شریف امام صادق علیه السلام می‌فرمایند از ابتدا آفرینش و حتی قبل از خلقت آدم تاکنون معرفت فاطمه زهرا علیها السلام محور هستی بوده است آن وقت چگونه می‌شود ما معرفت به آن حضرت نداشته باشیم و برای ایشان عزاداری نکنیم. مراجع و حوزه‌های علمیه ما افتخارشان این است که بر سفره فرزندان ایشان نشسته‌اند. عظمت حوزه در این است که کلامی از کلمات آن حضرات را بتواند بفهمد.

بنده می‌خواستم از شما هیئات عزیز و مردم قم تشکر کنم که امسال



بسیار باشکوه‌تر از سال‌های گذشته به عزاداری پرداختید. اگر سال قبل حدود هشتاد هیئت وارد حرم شده بود امسال بیش از یکصد و بیست هیئت آمده که این برای ما افتخار است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



آفرینش حضرت زهرا علیها السلام از نور عظمت خدا

بسم الله الرحمن الرحيم

این روزها مصادف با ایام فاطمیه و مصیبت عظمای اسلام، شهادت فاطمه زهرا، صدیقه کبری علیها السلام است. بحمدالله در کشور ما و در میان مردم و فضلا و طلاب، چندین سال است که نسبت به عزاداری این ایام توجه خاصی پیدا شده است. هر چند که مسئله فاطمیه از قدیم الایام در میان بزرگان مطرح بوده و این ایام را عزادار بودند. در بیت خود ما در ایام فاطمیه متجاوز از ۶۰ سال است که مجلس روضه برگزار می شود و بزرگان از مراجع مثل مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله، مرحوم امام رحمته الله، مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله و همچنین سایر مراجع، مقید بودند که در مجلس عزای فاطمه زهرا علیها السلام شرکت کنند.

۱۳

حقیقت فاطمه علیها السلام و علت نامگذاری آن حضرت به زهرا

اولین مطلب قابل توجه که اگر يك انسان مسلمان، چه شیعه و چه سنی، به این مطلب توجه کند، بسیاری از شبهه ها برای او حل می شود، و پاسخ بسیاری از سؤالات او داده می شود. این است که فاطمه علیها السلام کیست؟ و چه حقیقتی دارد؟

۱. بیانات در پایان درس خارج اصول: ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۹.



اگرما این وجود شریف را فقط در این که دختر نبی اکرم علیها السلام است محدود کنیم، یا اینکه ایشان را به عنوان یک انسان معمولی ببینیم، یک نتیجه‌ای دارد؛ ولی اگر یک مقدار دقت کنیم، ببینیم این وجود عزیز چه مقام و مرتبتی نزد خدای تبارک و تعالی دارد و به تبع آن مقامی که نزد خدا دارد، چه رتبه عظیمی در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، آن وقت نتیجه دیگری خواهیم گرفت و بسیاری از مسائل اعتقادی و تاریخی حل خواهد شد.

روایتی را شیخ صدوق از جابرو ایشان هم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: جابر عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قُلْتُ لَهُ لِمَ سَمَّيْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتْهُ فَلَمَّا أَشْرَفَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ بِنُورِهَا وَغَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَقَالُوا إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا مَا لِهَذَا النُّورِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي أَشْكَنْتُهُ فِي سَمَائِي خَلَقْتُهُ مِنْ عَظْمَتِي أَخْرَجْتُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِي أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَخْرَجْتُهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أُمَّةٌ يَقُومُونَ بِأَمْرِي يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي وَأَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي»^۱

به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند چرا فاطمه زهرا علیها السلام را زهرا نامیدند؟ اولاً روشن می‌باشد که در روایات دیگر این معنا وارد شده که فاطمه علیها السلام نه اسم در نزد خداوند دارد که خود همین هم یک مطلب خیلی مهمی است. اما

سؤال این است که چرا عنوان یکی از اسم‌ها زهرا است؟

حضرت در جواب فرمود: «لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتْهُ» خدای تبارک و تعالی فاطمه زهرا علیها السلام را از نور عظمت خودش خلق کرد. در مورد وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز چنین تعبیری وارد شده که خلقت آنها از نور خدای تبارک و تعالی است. این تعبیر می‌رساند که خلقت حضرت زهرا علیها السلام از اول، با خلقت بشر معمولی تفاوت دارد. نوع بشر، مخلوق

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۰.



خدا هستند، اما از نور خدا آفریده نشده‌اند، چون اگر بشر از نور خدا آفریده می‌شد دیگر هیچ بشری معصیت و عصیان نمی‌کرد. فاطمه زهرا علیها السلام از نور خدا آفریده شده و آن هم از نور عظمت خدا، که جنبه عظمت خدای تبارک و تعالی يك جنبه بسیار مهمی است. همه جوانب خداوند متعال مهم است، اما این جنبه يك جهت ویژه است و معنایش این می‌شود که این مخلوق يك مخلوق عظیم است، چون از نور عظمت خدا خلق شده.

«فَلَمَّا أَشْرَفَتْ أَضَاءَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضُ بِنُورِهَا» آسمان‌ها و زمین به نور فاطمه زهرا علیها السلام روشن شده، در ادامه روایت خداوند به ملائکه فرمود: «هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي، وَأَسْكَنْتُهُ فِي سَمَائِي، خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي».

بیان این جهت که فاطمه زهرا علیها السلام چگونه آفریده شده و از چه منبعی به وجود آمده و با چه تجلی‌ای خلق گردیده این نتیجه روشن را دارد که آفرینش حضرت با بقیه زنان کاملاً تفاوت دارد؛ هیچ يك از زن‌های پیامبر از نور عظمت خدا خلق نشدند، هیچ کسی را نداریم غیر از فاطمه زهرا علیها السلام که از نور عظمت خدا خلق شده باشد. در میان زنان عالم برخی بانوان مثل مریم بنت عمران و آسیه را داریم، ولی آنها با اینکه در میان نساء کامل هم بودند ولی باز این خصوصیت را ندارند که از نور عظمت خدا خلق شده باشند.

۱۵



احترام و تکریم پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حضرت صدیقه علیها السلام

در روایتی از ابوبکر نقل شده است: «أَنَّ فَاطِمَةَ دَخَلَتْ يَوْمًا عَلَى أَبِيهَا فَأَسْتَقْبَلَهَا وَقَبَّلَ يَدَيْهَا ثُمَّ لَمَّا وَدَّعَتْ وَمَشَتْ شَيَّعَهَا النَّبِيُّ وَقَبَّلَ يَدَيْهَا أَيْضًا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَ هَذَا فِي أَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ وَلَا يُنَاسِبُ لِمِثْلِكَ فَقَالَ: مَا فَعَلْتُهُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّي تَعَالَى»^۱.

۱. مجمع‌التورین، ص ۲۷.

حضرت زهرا يك روزی بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شد «فَأَسْتَقْبَلَهَا» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بلند شدند و از حضرت استقبال کردند «وَقَبَّلَ يَدَيْهَا» دو دست فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام را گرفتند و بوسیدند «ثُمَّ لَمَّا وَدَّعَتْ وَ مَشَتْ» وقتی که حضرت خواست خدا حافظی کند و برود «سَمِعَهَا النَّبِيُّ» باز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را مشایعت کرد چند قدم همراه ایشان رفتند «وَقَبَّلَ يَدَيْهَا» مجدداً دستهای حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را بوسیدند. ابوبکر به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتراض می کند و می گوید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَ هَذَا فِي أَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ» من ندیدم نسبت به هیچ يك از زن های دیگری که در بیت شما هستند چنین کاری را انجام داده باشید؟ در حقیقت اعتراض کرد شما چرا این رفتار را نسبت به فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می کنید؟ یا شاید منظورش این بوده که هیچ کسی راجع به دخترش این کار را نمی کند! «وَلَا يَنَاسِبُ لِمِثْلِكَ!» خواست پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به گمان باطل خودش نصیحت کند. جمله ای که خیلی مهم است این است پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَا فَعَلْتُهُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّي تَعَالَى» من کاری انجام نداده ام مگر به امر خدای تبارک و تعالی.

انسان می تواند استفاده کند این تکریم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام جنبه عاطفی نداشت؛ جنبه پدر و دختر بودن در کار نبود؛ جنبه اینکه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام يك زن مسلمان مطهره طاهره است هم نبود؛ بلکه فوق اینها بود. امر خدا به این تعلق گرفته پیامبری که اشرف مخلوقات است، این وجودی را که از نور عظمت خودش آفریده در انظار عموم این چنین مورد تکریم قرار بدهد.

این ما را وادار می کند مقداری بیشتر فکر کنیم که فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام چه شخصیتی بوده. ما باید در درس ها و مطالعات خود بحث فاطمه شناسی را دنبال کنیم. روایات فراوانی در مورد حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام وارد شده که هر کدام به تنهایی نیاز به کتاب ها و بحث ها دارد. در این ایام واقعاً در بالای



منابر بیشتر راجع به عظمت حضرت و عنایتی که خدای تبارک و تعالی به این وجود شریف نموده برای مردم صحبت کنیم.

غصب فدك

با در نظر گرفتن چنین جایگاهی برای آن حضرت دو مطلب قابل توجه است. يك مطلب مسأله تاریخی غصب فدك بعد از رحلت پیامبر ﷺ است. فدکی که در زمان حیات پیامبر ﷺ به مدت سه سال در اختیار حضرت زهرا علیها السلام بود و حضرت افرادی را گمارده بود که در آنجا کار می کردند و درید حضرت بود، با يك حدیثی که جعل شد و تا آن زمان به گوش احدی از صحابه پیامبر ﷺ نخورده بود که «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ وَ مَا تَرَكْنَاهُ فَهُوَ صَدَقَةٌ»،^۱ ما پیامبران از خودمان چیزی را به ارث نمی گذاریم، این حق را از حضرت غصب کردند. در بحث های روایی و تاریخی اشکالات بسیار فراوانی بر این حدیث وارد است. این حدیث از احادیثی است که مخالفت تبیینی با قرآن کریم دارد و مخالف صریح آیات قرآن است که وارد این بحث نمی خواهم بشوم. اما این نکته قابل توجه است آیا دختر پیامبر ﷺ که آنچنان در انتظار مورد احترام پیامبر ﷺ بود، خود ابوبکر هم که راوی این روایت است می گوید پیامبر فرمود این کار را به امر خدا انجام می دهم، همه سؤال ما این است که وقتی فاطمه علیها السلام فرمود: این فدك مال من است و از پیامبر به من رسیده، چرا ابابکر از او شاهد خواست؟ اینجا سؤال های فراوانی در اذهان بوجود می آید که یکی این است. فاطمه ای که از نور عظمت خدا خلق شده و مورد احترام پیامبر ﷺ است و از جمله صدیقین است، در راستگویی میان زن ها نظیر ندارد، چرا حرف او را نباید قبول کنند؟ چرا باید به او بگویند شاهد بیاور؟

۱. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۵ و ج ۸، ص ۳ کتاب الفرائض و صحیح مسلم: ج ۵، ص ۱۵۵.



چرا نسبت به سایر زن‌های پیامبر ﷺ که در حجره‌ها تا آخر هم ماندند و گفتند مال ماست، اعتراض نکردند که بیرون بروند و نگفتند از پیامبر چیزی به افراد به ارث نمی‌رسد!

در فقه شیعه و سنی هنگام اختلاف در مسائل مالی اگر مدعی يك شاهد همراه يك قسم اقامه کند ادعای او ثابت می‌شود. اینجا حضرت می‌گوید این مال برای من است و قسم می‌خورد و يك شاهد هم می‌آورد. امیرالمؤمنین علیه السلام شهادت داد، حسنین علیهم السلام شهادت دادند ولی قبول نکردند؛ همین امیرالمؤمنینی که اصحاب به گوش خود از پیامبر شنیده بودند که «أَقْضَاكُمْ عَلَيَّ»^۱ در قضاوت هیچ کسی بهتر از امیرالمؤمنین علیه السلام نیست، امیرالمؤمنین علیه السلام به ابابکر فرمود: اگر مالی دست مسلمانی باشد و من ادعا کنم که آن مال من است، تواز من دلیل می‌خواهی یا از آن کسی که مال در دست اوست؟ عرض کرد: از تو دلیل می‌خواهم فرمود: فاطمه علیها السلام بر فدک ید دارد و سه سال در اختیارش بوده، افرادی به عنوان کارگزار طرف حضرت زهرا علیها السلام در آنجا کار می‌کردند پس باید آن کسی که می‌گوید مال او نیست و ادعای خلاف دارد دلیل بیاورد، ابابکر از پاسخ درماند. البته در آخر هم ثابت شد که فدک، مال حضرت زهراست و نوشت، ولی دیگری آمد آن نوشته را گرفت و پاره کرد.

شهادت حضرت فاطمه علیها السلام

ما باید حضرت فاطمه علیها السلام را بشناسیم، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، اصحاب پیامبر، فاطمه علیها السلام را نشناختند. ریشه این بلاها و مصیبت‌ها و گرفتاری‌هایی که به وجود آوردند، این بود که حضرت زهرا علیها السلام را نشناختند، اگر او را شناخته

۱. تاریخ دمشق، ج ۵۱، ص ۳۰۰. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۱۹. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۵۹۰. تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۶۲. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۵۰. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۱۲.



بودند اینطور عمل نمی‌کردند تا به شهادت فاطمه زهرا علیها السلام منجر شود. شهادت حضرت يك مطلب مسلم تاریخی است و جای تردیدی در آن نیست. اگر کتب مؤرخین اهل سنت مورد مطالعه قرار گیرد، در آنها به صورت متعدد قضایای مربوط به شهادت حضرت زهرا علیها السلام نقل و مطرح شده است. مگر کسی بخواهد انصاف را کنار بگذارد و لجاجت داشته باشد و این جهت را هم انکار کند.

اینکه از ائمه معصومین علیهم السلام در روایات ما وارد شده، «إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ وَأَنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَظْمِئْنَ»^۱، هم روی کلمه صدیقه و هم شهیده اش ائمه ما بسیار تکیه داشتند.

این همه عظمت و مطالب بلند در حق فاطمه زهرا علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده بود که کتب اهل سنت و شیعه پر از این فضائل است.

عایشه می‌گوید: «أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَقَبْلَ رَأْسِهَا وَأَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ وَإِذَا جَاءَ إِلَيْهَا لَقِيَتْهُ وَقَبَّلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ وَجَلَسَا مَعًا»^۲. عایشه که زن پیامبر صلی الله علیه و آله است می‌گوید: من می‌دیدم که وقتی فاطمه علیها السلام می‌آید پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ایستاد «و قبل رأسها و أجلسها مجلسه» او را می‌بوسید و در جای خودش می‌نشاند. اینها دیده بودند پیامبر صلی الله علیه و آله چه عنایت عجیبی به این وجود عزیز داشت.

در بعضی از روایات آمده که «خَرَجَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ فَاطِمَةَ علیها السلام فَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهِ»^۳.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۰.

۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۹. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۴.



حضرت روزی دست فاطمه علیها السلام را گرفته و بیرون آمدند و فرمودند: «مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» فرمود: هر کسی که می شناسد می شناسد؛ اما آن کس که او را نمی شناسد، بداند که این فاطمه دختر من است «وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي» پاره تن من است «وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبِي» قلب من است، روح من است «فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» هر کسی او را اذیت کند مرا اذیت کرده؛ و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله اینقدر نسبت به بیان این مطلب تأکید داشت؟

پیامبر صلی الله علیه و آله قبلاً فرموده بود و در بعضی از نقل ها دارد که برخی مواقع که فاطمه علیها السلام را می دید گریه می کرد و اشکش جاری می شد. عرض می کردند: یا رسول الله چگونه است که وقتی فاطمه را می بینید اشک تان جاری می شود؟ می فرمود: به خاطر ظلمی که بعد از من به او می شود؛ به خاطر آن حقی که بعد از من از او غصب می گردد؛ به خاطر هجومی که به خانه او می برند. اینها را پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود. برای همین مکرر می فرمود: که «من آذاها فقد آذانی»، اما چطور شد که مردم این مطالب را فراموش کردند و کار به آنجا رسید؟ ما وقتی به کتب خود اهل سنت مراجعه می کنیم، مثل کتاب «الإمامة والخلافة» این نقل وجود دارد که می گویند «أرسل أبا بکر عمراً و قنفذاً و جماعةً إلى دار علی و فاطمة و جمع عمر الحطب علی دار فاطمة و أحرق بابها ولما جاءت فاطمة خلف الباب لتردد عمر و أصحابه، عَصَرَ عمر فاطمة خلف الباب حتى أسقطت جنينها و نبت مسمار الباب في صدرها و سقطت مريضةً حتى ماتت»^۱. ابا بکر دستور داد عمر و قنفذ و جماعتی بروند به طرف خانه علی علیه السلام. خانه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز می آمد براهل آن خانه سلام می کرد؛ سلام پیامبر، سلام خدا بود. هجوم براهل



۱. الخلافة و الإمامة، ص ۱۶۰.

خانه‌ای بردند که خدا بر آنها سلام می‌کرد. خود کسانی که جاه و منصب پیامبر ﷺ را غصب کردند، شنیده بودند که پیامبر ﷺ مکرر فرموده بود: هر کس بر فاطمه ﷺ درود بفرستد، خدا او را در بهشت کنار من قرار می‌دهد، آیا آنها می‌خواستند حق زحمات پیامبر را ادا کنند و به فاطمه درود بفرستند که این چنین به منزل حضرت هجوم بردند؟ انسان به این قسمت از تاریخ که می‌رسد باید ساعت‌ها اشک بریزد، خانه پیامبر ﷺ، خانه فاطمه ﷺ، خانه اهل بیت ﷺ، مردم چه خاطراتی از این خانه دارند؟ اما ابوبکر، عمرو قنغد و جماعتی را برای هجوم به خانه علی ﷺ می‌فرستد، «إلی دار علی و فاطمة و جمع عمر الحطب علی دار فاطمة» عمر هیزم‌ها را کنار خانه فاطمه ﷺ جمع کرد. «و أحرق بابها» درب خانه را آتش زد «ولمّا جاءت فاطمة خلف الباب لیترّد عمرو واصحابه» وقتی فاطمه ﷺ دید که درب خانه آتش زده شد، پشت درب آمد تا عمرو و یارانش بخاطر حضور آن حضرت در پشت درب، منصرف شده و برگردند. «عَصَرَ عمر فاطمة خلف الباب» عمر متوجه شد که فاطمه ﷺ پشت درب است و در را فشار داد، «حتى أسقطت جنینها و نبت مسمار الباب فی صدرها و سقطت مریضةً حتی ماتت». فشار درب چنان بود که حضرت جنین‌اش سقط شد و میخ درب در سینه مبارکش فرورفت و با این بیماری از دنیا رفت. مگر چند روز از وفات پیامبر ﷺ گذشته بود که این حادثه به وجود آمد و سبب شهادت آن حضرت ﷺ شد؟

۲۱

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



خدا تعیین کننده همسر زهرا علیها السلام^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدای سخن از شما بزرگواران و روحانیون ارزنده که از چهره‌های علمی و برجسته قم هستید تشکر می‌کنم و مطالبم را به مناسبت ایام شهادت فاطمه زهرا علیها السلام با ذکر این روایت تقدیم می‌کنم.

بیش از ۱۲ منبع این روایت را مطرح کرده‌اند. امیرالمؤمنین نقل می‌کند «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ لَقَدْ عَاتَبَنِي رِجَالٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ»^۲ خود پیامبر فرمود یا علی مردانی از قریش من را نسبت به فاطمه مورد سؤال و عتاب قرار داده و سرزنش می‌کنند که چرا فاطمه را با علی تزویج کردی. این همه ما خواستگاری کردیم و پیش قدم در خواستگاری فاطمه بودیم به ما جواب ندادی! «فَقُلْتُ لَهُمْ وَاللَّهِ مَا أَنَا مَنَعْتُكُمْ» من در پاسخ به آنها گفته‌ام به خدا قسم من شما را منع نکردم، «بَلِ اللَّهُ مَنَعَكُمْ وَرُؤُوسَهُ» بلکه خدا اجازه نداد او را به غیر علی تزویج کنم. امر تزویج فاطمه به دست خدا بود، «فَهَبَطَ عَلِيُّ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ» جبرئیل نازل شد و عرض کرد «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ لَوْلَمْ أَخْلُقْ عَلَيْهَا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ

۱. دیدار با اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری؛ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص ۹۲.



آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ» خدا فرمود ای رسول ما اگر من علی را خلق نمی‌کردم، برای فاطمه از حضرت آدم که اولین نبی و رسول ما بود تا دیگران هیچ کفوی در روی زمین نبود، یعنی به اینها بگونه تنها در این زمان که اینها در آن زندگی می‌کنند کفوی غیر از علی نبوده، بلکه «عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ» از اول تا آخر خلقت، از مراتب عالیة بشریت که پیامبران الهی هستند گرفته تا مراتب مادون و پائین، کفوی برای فاطمه نبود.

معنای کفو در این روایت

این روایت جای تأمل زیاد دارد؛ کفوی که خدای تبارک و تعالی بیان می‌کند غیر از آن کفوی است که فقها در فقه بیان می‌کنند. در بحث نکاح که مسأله هم‌کفو بودن زوج و زوجه مطرح می‌شود، تساوی در شأن، مال و تناسبات ظاهری مطرح است اما کفوی که خدای تبارک و تعالی بیان می‌کند، اصلاً با کفوفقهی قابل مقایسه نیست، یعنی کفو در رتبه معرفت خدا، کفو در عبادت خدا، کفو در توجه به خلق خدا، کفو در همه امور عالیة معنوی و این حاکی از عظمت فاطمه زهرا علیها السلام است، همین روایت اقتضاء می‌کند که اگر واقعاً این مصائب و ظلم‌های بر حضرت هم مطرح نبود، نه فقط مسلمان‌ها و نه فقط شیعه بلکه همه جامعه بشری باید قدم‌هایی را برای شناخت فاطمه علیها السلام بردارند، اما باید اظهار تأسف کرد که هنوز این وجود عزیز و این دردانه عالم وجود در میان پیروانش هم شناخته شده نیست.

علت اهتمام به عزاداری فاطمیه

گاهی اوقات بعضی از زمزمه‌ها و تعابیر جاهلانه به گوش انسان می‌رسد که چه نیازی است این مجالس گرفته شود؟ چه نیازی است که در این ایام



این دسته جات عزاداری برپا شود؟ تعبیری را مرحوم والد ما علیه السلام در همین قضایای فاطمیه داشتند، آن سال اولی که ایشان و برخی از مراجع بزرگ دیگر فرموده بودند که باید سوم جمادی الثانی به عنوان عاشورای دوم مطرح شود، اعتراضاتی را از بعضی دوستان و مسئولین رسانه‌ها شنیدم که گفتند فکر نمی‌کنید این تعبیریک مقدار با واقع مطابق نباشد؟! جریان عاشورا کجا و جریان فاطمه زهرا علیها السلام کجا؟

اگر انسان بخواهد به ظواهر نظر کند، هر چند این قضایایی که در عاشورا اتفاق افتاده نه قبل از آن بوده و نه بعد از آن! اما انسان باید ببیند که چه ظلمی واقع شد و بر چه موجودی واقع شد، به موجودی که این همه روایات و احادیث قدسی در مورد شخصیت بی‌نظیرش وارد شده، اگر انسان به این توجه کند دیگر چنین مطالبی را بیان نخواهد کرد. ما باید معرفت و بینش خود را نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام بیشتر کنیم، روایاتی در مورد حضرت وارد شده که هنوز بزرگان و اهل معرفت نتوانسته‌اند این روایات را معنا کنند، واقعاً از معنا کردن آن عاجزند.

تعبیری در زیارت‌های فاطمه زهرا علیها السلام هست، قطع نظر از اینکه کسی که حضرت زهرا علیها السلام را زیارت کند پیامبر را زیارت کرده، و در روایت دیگر خدا را زیارت کرده، اما یک تعبیری هست که واقعاً انسان نمی‌تواند معنا و کُنه آن را بفهمد و باید هم همین باشد و الا ملقب به لیلۃ القدر بودن حضرت معنا نداشت! منتهی تا آن حدی که بتوانیم باید کوشش کنیم.

با اینکه بنا ندارم در مطالب خود خواب و داستان‌های مستند به خواب را عرض کنم؛ اما فرد موثقی از قول یکی از بستگان مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی علیه السلام نقل می‌کرد؛ جدّ ما (مرحوم آقای فاضل قفقازی) وقتی مشاهد مشرف می‌شد بر آیت‌الله میلانی وارد می‌گردید، در یکی از سفرها مرحوم آقای فاضل این خواب را برای آقای میلانی نقل کرده که در عالم



رؤیا من و آیت الله العظمی بروجردی خدمت حضرت زهرا علیها السلام نشسته بودیم، جدّ ما در ذهنش خطور می‌کند که آقای بروجردی سید و از اولاد و ذریه بی بی است، من مجلس را ترك کنم تا جلسه مختصّ آقای بروجردی شود، همین که در عالم رؤیا این مطلب در ذهن من خطور کرد بی بی فرمودند که شما هم از طرف مادر منتسب به ما هستید، بعد خطاب کردند به آقای بروجردی و فرمودند فرزندم سید حسین آنچه که از مصائب ما به دست شما رسیده درست است، اگر به شما خبر رسیده که من را پشت درب و دیوار قرار دادند درست است، اگر شما شنیدید که درب خانه من را آتش زدند درست است، اگر شما شنیدید که محسنم را سقط کردند همه این ظلم‌ها بر من وارد شده! این رؤیایی است که مؤید آن مستندات قطعی است که در تاریخ وجود دارد.

امام خمینی علیه السلام و درك عمیق از ولایت

ما که بحمد الله این افتخار انقلابی بودن را به برکت امام و شهدا پیدا کردیم رمز بقای این عنوان این است که هرچه بیشتر خود را به این معارف واقعی نزدیک تر کنیم، ما هر چه داریم از اهل بیت عصمت و طهارت است. انقلاب ما ناشی از همین ارتباط محکم با اهل بیت عصمت و طهارت است. اگر از من طلبه سؤال کنند که آشناترین فرد در صد ساله اخیر نسبت به حقیقت ولایت کیست؟ با قاطعیت تمام عرض می‌کنم امام خمینی علیه السلام، هیچ کسی را مثل امام در قرب به ولایت و فهم عمق ولایت سراغ نداریم.

کتاب مصباح الهدایه را در حدود ۴۰ سالگی نوشته است؛ آن قدر مطالب عمیق راجع به ولایت و امامت در آن نوشته که عرفای زمان ما از تفسیر آن عاجزند، بعضی از مطالبش را نمی‌توانند آن طور که باید و شاید



تفسیر و معنا کنند. در کتاب اسرار الصلاة شان عباراتی در مسائل ولایی دارند که همه باید در مقابل ایشان زانو بزنند و از این چشمه سار بهره برداری کنند، امام ولایت را درست تشخیص داد و يك سر سوزن در این مسیر تردید نکرد. تردید، توقف، انکار، شك، اشکال، مربوط به افرادی است که ولایت را درست نفهمیده اند! آن کسی که ولایت را درست فهمیده باشد می تواند چنین انقلاب عظیمی را ایجاد کند و تا لحظه آخر هم يك سر سوزن تغییر در فکر او به وجود نمی آید. ما هم که در این مسیر قرار گرفتیم رمز موفقیت مان این است که باید اولاً ولایت را درست بفهمیم و در درجه بعد جامعه را بیشتر آگاه کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



فاطمه زهرا علیها السلام مظهر حسن و نیکویی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

چون در آستانه ایام فاطمیه قرار داریم، با عرض تسلیت شهادت حضرت زهرا علیها السلام چند نکته را عرض می‌نمایم.

در رابطه با احیای ایام فاطمیه حدود یک دهه است که در حوزه علمیه توجه و اهتمام خاصی صورت گرفته و بحمدالله شاهد هستیم مردم علاقمند به اهل بیت توجه خاصی به آن دارند و با فرارسیدن ماه جمادی‌الاولی مراسم عزاداری را شروع کرده و تا نیمه جمادی‌الثانی و ایام ولادت حضرت آن را ادامه می‌دهند.

ما به عنوان یک روحانی موظف هستیم فکر و اعتقاد خود را نسبت به آن حضرت محکم‌تر کنیم. امروز یک روحانی شیعه باید نسبت به تمام ابعاد وجودی حضرت زهرا علیها السلام از زمان ولادت تا شهادت آشنایی داشته باشد.

در کنار موضوع امام‌شناسی بحث فاطمه‌شناسی نیز باید مطرح باشد تا انشاءالله با معرفت بیشتر به آن حضرت متوجه شویم این عزاداری‌های ما هرچقدر هم با شکوه باشد در قبال عظمت آن حضرت ناچیز است و ما باید بسیار فراتر از این نسبت به آن حضرت ادای احترام نماییم.

۱. دیدار با مدیران کاروان‌های تبلیغی سازمان اوقاف و امور خیریه.



باید بدانیم مسأله فاطمه شناسی خود یک بحث عمیق علمی و مشکل است. حسب آن روایت معروف (سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهَا)^۱ نوع خلق از رسیدن به معرفت آن حضرت عاجز می‌باشند. در اینکه خداوند در میان همه زنان عالم یک زن را چنین آفریده که خلق جهان از فهم معرفت ایشان عاجز هستند چه مطلبی نهفته است؟ آن حضرت قطع نظر از دختر پیامبر بودن و زوجه امیرالمؤمنین و ام‌الحسن والحسین بودن، خود دارای یک شخصیت مستقل ذاتی، الهی و نورانی است که لازم است شناخته شوند. اینکه در روایات آمده است (فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ)^۲ چرا وجود حضرت مساوق با لیلۃ القدر شده است؟

شب قدر شب عظیمی است که عناوین مهمی دارد، لیلۃ مبارکه و لیلۃ نزول قرآن است. خصوصیات لیلۃ القدر بسیار عظیم است فضیلت عبادت در آن شب از هزار ماه بیشتر است. دعا، مناجات و توسل به خداوند در این شب مستجاب است. این می‌رساند توسل به حضرت زهرا^{علیها السلام} به اندازه لیلۃ القدر ارزش دارد و عظمت حضرت زهرا^{علیها السلام} همانند عظمت لیلۃ القدر است.

اینکه بعضی می‌گویند شب قدر مخفی است و قبر آن حضرت نیز مخفی است این توجیه بسیار نازلی است عظمت این وجود در میان تمام زنان بلکه در میان تمام مردان غیر از پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و امیرالمؤمنین^{علیه السلام}، حتی از تمام انبیاء و اولیاء بالاتر است. عبادت آن حضرت بالاتر از عبادت هزار ولی خاص خدا است. شخصیتی که قرآن کریم در آیات متعدد به ایشان اشاره دارد نظیر ﴿قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^۳ مصداق نساءنا

۱. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۴۳، ص ۶۵، ح ۵۸. الخصائص الفاطمية، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص ۶۵.

۳. آل عمران: ۶۱.



اختصاص به آن حضرت دارد. یا آیه شریفه ﴿وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^۱ به اعتراف مفسرین در شأن حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است.

پیامبر بزرگوار اسلام نیز در مورد ایشان تعابیر بسیار بلندی دارد، فرمودند: (وَلَوْ كَانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكَانَتْ فَاطِمَةَ بَلْ هِيَ أَعْظَمُ إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُرًا وَشَرَفًا وَكِرْمًا)^۲ اگر تمام خوبی‌ها را بخواهند در شخصی مجسم نمایند آن شخص حضرت فاطمه علیها السلام است. حسنی که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن تعبیر می‌فرمایند قابل مقایسه با حسنی که ما خیال می‌کنیم و در تعابیر خود به کار می‌بریم نیست. ما حسن را در امور ظاهری و دنیوی مثل مال و جمال و عده و عده می‌بینیم، که در واقع حسن نمی‌باشد؛ اما حسن در نظر پیامبر صلی الله علیه و آله معنای بسیار والا و عظیم دارد. همچنین سایر ائمه معصومین و بزرگان ما تعابیر بلندی از آن حضرت فرموده‌اند.

ما در مورد حضرت دو بحث را باید مطرح کنیم:

۱. شخصیت خود حضرت؛

۲. مصیبت‌هایی که بر آن حضرت وارد آوردند.

متأسفانه در بعد اول کار خیلی کم شده است؛ ما باید فاطمه‌شناسی را احیاء کنیم، هر چند بحمدالله در سال‌های اخیر قدم‌های خوبی برداشته شده و کتب و موسوعه‌هایی تألیف شده است. این خطبه حضرت زهرا علیها السلام واقعاً بی‌نظیر و شبیه کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه است. در این خطبه که حضرت در آن بحبوحه مصائب و تألمات روحی ایراد فرمودند به بیش از سی آیه استدلال کرده‌اند. کدام خطیبی می‌تواند چنین خطبه‌ای ایراد کند که در آن به آیات قرآن و کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله استدلال شده و برهان‌های متعدد در آن بیان نموده باشند. این کاشف از عظمت آن حضرت است. اگر انصاف

۱. اسراء: ۲۶.

۲. مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، ص ۱۳۶.





بدهیم در بعد شخصیت ذاتی بین بانوان هیچ شخصیتی مانند حضرت زهرا علیها السلام در عالم نبوده است. کما اینکه در بُعد مصیبت نیز هیچ زنی مانند ایشان مصیبت ندیده است، حتی زینب کبری علیها السلام.

کیفیت مصیبت حضرت زهرا علیها السلام طوری است که خود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر آن اشک ریخته‌اند. در روایتی آمده است حضرت علی علیه السلام وارد بر پیامبر صلی الله علیه و آله شدند و دیدند حضرت گریه می‌کنند، سؤال کردند: (مَا يَبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟) ^۱ حضرت فرمودند: به خاطر ظلمی که بعد از فوت من بر تو و دخترم وارد می‌آید. حتی در این روایت مسأله لطم و سیلی بر صورت حضرت بیان شده است. بانویی که خودش آن همه عظمت دارد و قرآن درباره اش تعبیر به (نساءنا) و (وَآتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ) نموده است، پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شخصیتش آنچنان سخن گفته که فقط اختصاص به معصوم دارد «قَالَ صلی الله علیه و آله: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ لَيَغْضَبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَىٰ لِرِضَاكَ» ^۲. آن وقت چنین فردی در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله راجع به فدک سخن بگویند و حرفش را قبول نکنند و بگویند برو شاهد بیاور!! این چه ظلم بزرگی بر آن حضرت است؟ شدت این مصیبت از مصیبت پشت درب ماندن و سقط حضرت محسن و آتش زدن درب خانه سنگین تر است.

حال آیا ما نباید در طول سال یکی دو ماه را به فاطمه شناسی اختصاص دهیم و فریاد بزیم ایها الناس بیایید فاطمه را بشناسید. اگر این کار را نکنیم هم در حق آن حضرت و هم در حق پیامبر اسلام جفا کرده‌ایم، همچنان که در مورد مصائب وارده به آن حضرت جا دارد ما ایام فاطمیه را به ذکر مصائب آن حضرت پردازیم و گرنه در حق او جفا کرده‌ایم. اینکه مراجع بزرگوار خصوصاً والد راحل ما این قدر به مجالس آن

۱. الأملی (للصدوق)، النص، ص ۱۳۴.

۲. همان، ص ۳۸۴.

حضرت اهتمام می نمودند به همین جهت بود.

یک روز در دیدار با علمای مشهد فرمودند من بیش از پنجاه سال است که مشغول تدریس در حوزه هستم و هزاران طلبه را تربیت کرده و بیش از پنجاه کتاب فقهی، اصولی و تفسیری تألیف کرده‌ام؛ اما برای قیامت خود به هیچ کدام از اینها امید ندارم، تنها امید من به این پیام‌هایی است که در این چند سال اخیر به مناسب شهادت حضرت زهرا علیها السلام می نویسم. این امر در روزهای آخر عمر شریفشان کاملاً مشهود بود. دائماً در حال فکر بودند و گاهی سر بلند کرده و می فرمودند: «السلام علیک یا فاطمة الزهراء».

ما هرچه بیشتر خود را به این حقیقت نورانی نزدیک کنیم برکات فراوان تری نصیب مان خواهد شد. ما موظف هستیم هرچه بیشتر حضرت را بشناسیم و بشناسانیم و مراسم فاطمیه را با شکوه بیشتر برگزار کنیم. نظام اسلامی ما یک رکن قویم دارد و آن اهل بیت علیهم السلام است.

عظمت، ارزش، اعتبار و اقتدار ولایت فقیه در نظام ما به این جهت است که شعاعی از ولایت اهل بیت و فاطمه زهرا علیها السلام است. اینکه مردم ما عاشقانه نسبت به ولایت فقیه ابراز ارادت می کنند به همین جهت است. در زمان امام راحل و ایام جنگ تحمیلی دیدید که مردم چه کردند. در زمان فعلی هم در بحران‌هایی که در کشور به وجود آمد، هویت ولایت فقیه کاملاً برای مردم نمودار شد و ارزشش بیشتر تجلی پیدا کرد. همه اینها به خاطر آن است که شعاعی از ولایت فاطمه زهرا علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام است و اگر از این جدا بشود هیچ ارزش و مشروعیتی ندارد.

امیدواریم خداوند متعال به برکت حضرت زهرا علیها السلام عنایاتش را بیشتر شامل حال کشور اسلامی ما و حوزه‌های علمیه بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



حقیقت فاطمه علیها السلام فوق همه عناوین^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فرارسیدن ایام شهادت بزرگترین بانوی عالم خلقت و جهان انسانیت، فاطمه زهرا علیها السلام را به همه شیعیان و محبتیان آن حضرت و به خصوص به پیشگاه حضرت بقیة الله الأعظم امام زمان علیه السلام تسلیت عرض می‌کنم.

سخن گفتن پیرامون این درّ عالم وجود بسیار مشکل و بلکه غیرممکن است، از مجموع روایات معتبر استفاده می‌شود آن حقیقتی که از طرف خداوند تبارک و تعالی به ایشان عنایت شده و در وجود شریفش تمثیل پیدا کرده، يك حقیقتی است که قبل از خلقت بشر بلکه قبل از خلقت عالم،

مورد توجه خداوند تبارک و تعالی بوده است. در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: «سُمِّيتِ فَاطِمَةَ فَاطِمَةَ، لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهَا»^۲ فاطمه را خداوند فاطمه نامید چون مردم از کُنْهِ معرفت این ذات عاجزند.

این روایت و نظیر آن به ما این نکته را نشان می‌دهد که ما حقیقت فاطمه زهرا علیها السلام را نباید به عنوان يك حقیقت مضاف تصور کنیم. یعنی نباید آن حضرت را تحت عناوینی نظیر دُخت پیامبر صلی الله علیه و آله، زوجه امیرالمؤمنین علیه السلام یا

۱. گفتگو با شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵، ح ۵۸. الخصائص الفاطمية، ج ۱، ص ۲۹۹.



ام‌الحسن و‌الحسین علیهما السلام یا ام‌الائمہ علیہا السلام محدود کنیم. نباید اینگونه تصور شود که در فرهنگ معرفتی ما، فاطمه علیہا السلام به عنوان دُخت پیامبر برای ما محترم است، نباید این گونه تصور شود که اِکرام و‌اعتنای به این شأن از باب اینست که زوجهٔ پیشوای بزرگ شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. بلکه حقیقتی در این وجود شریف بوده که هیچ جایگاهی غیر از این عناوین لایق پذیرش آن نبوده است، فقط همین عناوین و‌همین جهات قابلیت و‌لیاقت قبول کردن و‌تحقق این حقیقت را داشته‌اند. یعنی حقیقت آن حضرت ماورای این عناوین بوده است. فاطمه کیست؟ و‌چه حقیقتی است؟ باید برای پاسخ به این سؤال بحث‌ها بشود و‌کلمات بزرگان و‌روایات ائمهٔ طاهریں علیہم السلام مورد بررسی قرار بگیرد.

توجه به حقیقت فاطمی

در روایتی امام صادق علیه السلام در مورد حضرت زهرا علیہا السلام فرموده‌اند: «هی صدیقۃ الکبریٰ و‌علی معرفتہا دارت القرون الاولی»^۱ او صدیقه است، در مقام صدیقین است و‌بزرگترین مرتبه را در بین صدیقین دارد.

اما نکته مهم این است که جمله «و‌علی معرفتہا دارت القرون الاولی» می‌رساند تمام قرن‌های گذشته، اولین و‌آخرین آنها، همهٔ انسان‌ها، همهٔ انبیاء بر معرفت این حضرت اقرار داشتند و‌همه بر محور معرفت این حقیقت، حیات داشتند. در برخی از روایات دیگر می‌فرمایند: «ما من نبی»^۲ الا اینکه اقرار به معرفت حضرت زهرا علیہا السلام کرده یا موظف به معرفت صدیقۃ کبری علیہا السلام بوده است. واقعاً در بُعد معرفتی این حقیقت، ما بسیار عاجزیم، یک مقدار تعابیری هم که از وجود ائمهٔ طاهریں علیہم السلام بیان شده

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۵. به نقل از أمالی طوسی و‌الخصائص الفاطمیة، ج ۱، ص ۳۱.

مجمع النورین، ص ۴۳.

۲. مجمع النورین، ص ۴۰.



است برای ما فقط اشاره‌های کوتاهی است، نظیر این تعبیر که از وجود مقدس امام عسکری علیه السلام است که حضرت فرموده است: «نَحْنُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَفَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا»^۱ ما حجت خدا بر مردم هستیم و فاطمه علیها السلام حجت بر ماست.

اگر ما به میزان درک و فهم طلبگی و صناعات استدلالی خود بخواهیم بر ظاهرا این عبارت اعتماد کنیم، می‌توانیم از آن استفاده کنیم که فاطمه علیها السلام یک مرتبه‌ای - حتی - فوق ائمه طاهرين علیهم السلام دارد. گرچه او امام نبوده اما قول و فعل و همه حرکات و سکنات او برای ائمه حجت است، باید اهل فکر در این روایت خیلی تأمل کنند که ائمه معصومین علیهم السلام با آنکه اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند و این وصایت آنها به تصریح خداوند تبارک و تعالی بوده، اما خودشان اقرار می‌کنند که فاطمه علیها السلام حجت بر ماست.

ممکن است برخی تصور کنند چون حضرت زهرا علیها السلام دارای مصحفی بود که نزد ائمه طاهرين علیهم السلام نگهداری می‌شد از این جهت گفته شده که فاطمه علیها السلام بر ما حجت است، زیرا آن مصحف یکی از علائم حقانیت ائمه اطهار علیهم السلام است. اما به نظر ما این مطلب قابل قبول نیست برای اینکه نزد ائمه طاهرين علیهم السلام مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام هم بوده، اما چنین تعبیری که ائمه دیگر بیان کنند که علی بن ابیطالب علیه السلام بر ما حجت است، وارد نشده است. (آن مقداری که بنده اطلاع دارم).

البته مصحف حضرت زهرا علیها السلام، خود یک مسئله بسیار مهم و اساساً یکی از ابعاد معرفتی در شناخت آن حضرت است، بر حسب روایات معتبری که در کافی شریف وارد شده، بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله جبرئیل نازل می‌شد و با فاطمه زهرا علیها السلام صحبت می‌کرد^۲ اما آن صحبت به عنوان وحی

۱. أسرار الفاطمية، ص ۳۷ و ۲۶۵ و ۴۱۰. الانتصار، ج ۷، ص ۱۹۲ و ۲۳۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۹۹ و ج ۲، ص ۴۸۹.



نبوده چون وحی بعد از رحلت پیامبر ﷺ قطع شد و تا قیامت همه بشریت از آن محروم ماندند. هرچند حقیقت وحی که در قرآن کریم تمثیل یافته، همیشه به عنوان معجزه خالده و باقیه وجود دارد.

در برخی از این روایات در مورد مصحف فرموده اند «لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِّنَ الْقُرْآنِ»^۱ یا شاید «لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِّنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ».

مصیبت عظیم پیامبر ﷺ آنچنان بر این بانوی بزرگ سخت بود که تحمّل او را تمام کرد و اکثر اوقات خود را به گریه و بُكاء می گذراند، اگرچه بُكاء حضرت به خاطر آن ظلم ها، اذیت ها و برخوردهای بسیار دور از انسانیت و دور از عقلانیت و دور از دیانت بود، اما غم از دست دادن پیامبر ﷺ آن هم اشرف پیامبران و اشرف مردم در نزد خداوند غم کمی نبود، لذا جبرئیل نازل می شد با ذکر اخباری از آینده اسلام و بیان اینکه زحماتی که پیامبر ﷺ کشید نتایج بسیار خوبی در آینده خواهد داشت آن حضرت را تسلی می داد و حضرت زهرا علیها السلام آن اخبار را برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می کرد و ایشان می نوشتند.

مصحف حضرت زهرا علیها السلام مسأله کمی نیست ولو عنوان وحی، قرآن و معجزه را ندارد و در آن خبر گذشتگان و آیندگان می باشد، اما همین هم مسأله بسیار مهمی است. يك واقعه منحصر به فرد است که قبل و بعد از آن هیچ گاه به این شکل تحقق پیدا نکرده است.

روشن شدن مقام حضرت در قیامت

به نظر ما در این عبارت «فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا» يك معنایی فوق مسأله مصحف وجود دارد و آنها که اهل حقیقت و بصیرت هستند می بایست بیشترین مسأله را دنبال کنند و به کُنه این مطلب برسند. در روایات ما

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۵۴.



این نکته هست که وقتی قیامت فرا می‌رسد خداوند تبارک و تعالی احترام و اکرام فوق‌العاده‌ای به این بانومی‌کند. روایت بسیار خوبی در مستدرک سفینه‌البحار آمده است که سلمان خدمت پیامبر ﷺ رسید و در حضور دیگران روی قدم‌های پیامبر ﷺ افتاد و پای حضرت را بوسید، پیامبر ﷺ خیلی ناراحت شد، به سلمان اعتراض کرد فرمود: چرا آن‌طور که اعاجم و فارس‌ها با پادشاهان خود برخورد می‌کنند با من برخورد می‌کنی؟ من یک بنده‌ای از بندگان خدا هستم مثل سایر مردم زندگی می‌کنم، سلمان به فکر فرورفت چه کند تا پیامبر ﷺ را خوشحال نماید.

سلمان وقتی دید که پیامبر ﷺ خیلی ناراحت شده بلافاصله به پیامبر ﷺ عرض کرد: «یا مولای سَأَلْتُكَ بِاللهِ إِلَّا أَخْبَرْتَنِي بِفَضْلِ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. قَالَ: فَأَقْبَلِ النَّبِيَّ عَلَيْهِ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا ثُمَّ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا الْجَارِيَةُ الَّتِي تَجُوزُ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقَةٍ رَأْسُهَا مِنْ حَشِيَّةِ اللهِ، جِبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهَا وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهَا وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمَامَهَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَرَاءَهَا، وَاللهُ تَعَالَى يَكُلُّوْهَا وَيَحْفَظُهَا»^۱ سلمان عرض کرد: یا رسول‌الله به من خبریده از مراتبی که برای فاطمه علیها السلام در روز قیامت هست؟ تا سلمان این سؤال را پرسید، پیامبر ﷺ از اینکه نام حضرت زهرا علیها السلام به میان آمد خیلی خوشحال شد و فرمود: تنها کسی که در روز قیامت سوار بر یک ناقه می‌شود و جبرئیل سمت راست او و میکائیل سمت چپ او و علی علیه السلام در جلوی او و امام حسن و امام حسین علیهم السلام پشت سر او حرکت می‌کنند، فاطمه زهرا علیها السلام است. (در روایات ذکر شده وقتی اصحاب پیامبر ﷺ می‌دیدند که پیامبر ﷺ ناراحت است و هیچ راهی ندارد که پیامبر ﷺ را خوشحال کنند، به یک مناسبتی نام مبارک حضرت زهرا علیها السلام را می‌آوردند).

۱. بحار الانوار: ج ۲۷، ص ۱۴۰. مستدرک سفینه‌البحار، ج ۸، ص ۲۴۵.



شما ببینید این چه مرتبه‌ای است که خداوند در این قضیه در صحرای محشر و آن زمانی که همه نفوس در گرفتاری هستند برای بی بی فاطمه زهرا علیها السلام قرارداده است. این روایت هم بسیار زیباست: «فَإِذَا التَّيَّاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَّالُهُ: مَعَاشِرَ الْخَلَائِقِ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكَسُوا رُؤُوسَكُمْ، هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكُمْ، زَوْجَةَ عَلِيِّ إِمَامِكُمْ، أُمِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام. فَتَجُوزُ الصِّرَاطَ وَعَلَيْهَا رِيظَتَانِ بَيْضَاوَانٍ. فَإِذَا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ وَنَظَرَتْ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهَا مِنَ الْكِرَامَةِ قَرَأَتْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحُزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ* الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ»^۱ قَالَ: فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا: يَا فَاطِمَةُ سَلِينِي أَعْطِكَ، وَتَمْنِي عَلَيَّ أَرْضِيكَ فَتَقُولُ: إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى وَفَوْقَ الْمُنَى، أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُجِبِّي وَمُحِبِّ عِتْرَتِي بِالنَّارِ، فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهَا: يَا فَاطِمَةُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي لَقَدْ آلَيْتِ عَلَيَّ نَفْسِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَيْ عَامٍ أَنْ لَا أَعَذِّبَ مُحِبِّكَ وَمُجِبِّي عِتْرَتِكَ بِالنَّارِ»^۲.

آن وقت ندایی از طرف خداوند می آید به همه خلایق دستور می دهد «مَعَاشِرَ الْخَلَائِقِ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكَسُوا رُؤُوسَكُمْ، هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكُمْ» چشم های خودتان را ببندید و سرهایتان را پایین بیندازید. حضرت از صراط عبور می کند و وارد بهشت می شود و می بیند که خداوند برای او چه مراتبی را قرار داده. وقتی وارد بهشت می شود حضرت این آیه را می خواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحُزْنَ...» خدا را ستایش می کند بر اینکه حزن و اندوه ها و گرفتاری ها پایان یافت. من در این روایت می خواهم به این مطلب بیشتر اشاره کنم و نکته مهم در

۱. فاطر: ۳۴ و ۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

این روایت این است که خداوند به فاطمه علیها السلام می فرماید: «یا فاطمة سلینی أعطک» از من بخواه، هرچه بخواهی به تو اعطاء می کنم.

این چه حقیقتی است که خداوند متعال این چنین او را مخاطب خود قرار می دهد. عظمت این حقیقت را هم باید در جواب حضرت زهرا علیها السلام به پروردگار مشاهده کرد. چراکه ارزش هرانسانی در جامعه این است که قبل از اینکه به فکر خودش باشد به فکر مردم باشد، قبل از اینکه به فکر سلامت خودش باشد به فکر سلامت و رشد جامعه باشد، مسئولی در جامعه ما ارزش دارد که واقعاً به دنبال ارتقای جامعه باشد، حضرت زهرا علیها السلام به خداوند عرض می کند: «إلهی أنت المُنَى وَفَوْقَ المُنَى، أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُجَبِّی وَ مُحِبَّ عِتْرَتِی بِالنَّارِ» از خدا می خواهد که محبتین من و محبتین اولاد من را داخل جهنم نکن. ببینید چه فکری همه وجود این بانورا احاطه کرده؟ و خداوند رحمان هم در جواب، آن را می پذیرد و حتی قسم می خورد به اینکه «أَنْ لَا أُعَذِّبَ مُجَبِّیكَ وَ مُحِبِّی عِتْرَتِكَ بِالنَّارِ».

شأن حضرت زهرا علیها السلام این چنین است، معرفت حضرت زهرا علیها السلام بسیار دشوار است، این جمله را هم در خاتمه بحث عرض کنم که واقعاً مطلب بسیار مهمی است. امروز همه ما، مرد، زن، پیر و جوان نیازمند شناخت آن حضرت هستیم و باید بفهمیم، چه خصایصی در آن حضرت موجب شده که این مرتبه عالی را در قیامت پیدا کرده است و فاطمه کیست که مردم از معرفت او عاجز هستند؟ آیا صرفاً یک انسانی بود که خدا او را خلق کرد و از اول هم همین طور قرار داد که مردم او را نشناسند؟ یا نه این مراتب بخاطر ویژگی هایی است که حضرت واجد آن بودند.

خشوع حضرت در مقابل پروردگار

وقتی انسان بعد عبادت و زندگی این بانو و خشیت او از خدا را می بیند متحیر می شود، روایت بسیار مهمی در بحار الانوار و در عوالم آمده است.



وقتی این آیه شریفه نازل شد ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ * لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ^۱ خداوند می فرماید: موعد تمام شیاطین جهنم است. محل و مأوای همه کسانی که به دنبال شیطان رفتند و فریب او را خورده و جزء پیروانش شدند، جهنم است. این جهنم هفت درب دارد که از هر دربی گروهی از شیاطین وارد می شوند (که اینجا بحث های اخلاقی و تربیتی خیلی زیادی وجود دارد که هر صنفی از گناهکاران از یک درب خاصی وارد می شوند). شاهد کلام این است که وقتی این آیه بر پیامبر ﷺ نازل شد «بکی بُکاءً شدیداً» گریه شدیدی کرد به طوری که تمام اصحابی که نزدیک پیامبر ﷺ بودند به گریه افتادند و مجلس، مجلس خُزن شد و کسی دیگر جرأت نمی کرد در حضور پیامبر ﷺ حرفی بزند.

بلافاصله سلمان یا یکی از اصحاب پیامبر سراغ حضرت زهرا ع آمد، دید حضرت در خانه مشغول آرد کردن گندم است و این آیه را می خواند ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۲ سلمان به حضرت سلام کرد و قضیه را برایشان نقل کرد، در روایت دارد که حضرت با یک پارچه ای که بسیار وصله خورده بود خدمت پیامبر ﷺ آمد، سلمان در آنجا گفت: دختران کسری و پادشاهان با چه وضعیتی می آیند دختر پیامبر خدا، ختم المرسلین با چه وضعی؟! (اینها نکات مهمی است که در وقت دیگری باید به آن اشاره کنیم)، فاطمه آمد به پدرش عرض کرد: «فَدَثْنُكَ نَفْسِي يَا أَبَتِ، مَا الَّذِي أَبْكَاكُ» (این تعبیر نشان می دهد که حضرت زهرا ع چقدر به پیامبر ﷺ علاقه داشته است.) عرض می کند: فدای تو بشوم ای پدر چه چیزی سبب گریه شما شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: دخترم جبرئیل بر من نازل شد و

۱. حجر: ۴۳ و ۴۴.

۲. قصص: ۶۰.



این دو آیه را خواند، تا هر دو آیه را پیامبر ﷺ برای فاطمه ؑ خواند «فَسَقَطَتْ فَاطِمَةُ عَلَى وَجْهَيْهَا» این بانو با صورت روی زمین افتاد، ما چقدر این آیه را خواندیم و از کنارش گذشتیم، چقدر لفظ جهنم به گوش ما خورده و تأثیری در ما ایجاد نشده. من می‌خواهم این را عرض کنم که ببینید فاطمه زهرا ؑ باید مرتبه‌ای نزدیک به مرتبه پیامبر ﷺ داشته باشد که عظمت جهنم و عذاب خدا را آنچنان درک می‌کند که با صورت روی زمین می‌افتد و می‌فرماید: «وَهِيَ تَقُولُ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ»^۱ وای بر آن کسی که داخل نار می‌شود. یعنی مردم! جهنم را دست کم نگیرید، عذاب خدا را در کنار آن رحمت و وسعۀ خدا، در نظر داشته باشید. فکر نکنید عذاب خدا عذاب معمولی است که يك مقدار از عذاب دنیا شدیدتر است.

اشاره به روایت برای توجه به این نکته است که آن انقلاب درونی ناشی از درک عظمت یک آیه قرآن که برای پیامبر ﷺ با آن سعه وجودی اش ایجاد شد، با آنکه هیچ کس در عالم، سعه وجودی رسول خدا ﷺ را ندارد، نظیر آن حالت برای فاطمه ؑ هم به وجود می‌آید. این کشف از عظمت وجود و مقام و رتبه بسیار بزرگ آن حضرت می‌کند.

ما باید از فاطمه ؑ خشیت خدا را یاد بگیریم، چرا از عبادت خسته نمی‌شد؟ چرا در عبادت آنقدر می‌ایستاد که در روایت آمده: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ، كَأَنْتِ تَقُومُ حَتَّى تَوَزَّمَ قَدَمَاهَا»^۲ آیا فکر می‌کنیم این مقامی که خدا برای فاطمه در روز قیامت قرار داده فقط يك مقام تفضلی است؟ نه، فاطمه در عبادت این چنین بوده، در مقابل کلام خدا این چنین بوده که وقتی خدا می‌فرماید: «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ» با صورت روی زمین می‌افتد. این قدر در عبادت،

۱. الدرر المعانی، ۲۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۱۹.



خشیت از خدا داشته که خداوند به ملائکه نسبت به این وجود شریف مباحثات می‌کرد. باید حضرت زهرا علیها السلام را از نوبشناسیم و سراغ معرفت او برویم، وقتی می‌گوید: «عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونِ الْأُولَى» یعنی بدون معرفت فاطمه علیها السلام انسان در دنیا گم است، بدون معرفت فاطمه علیها السلام انسان بی‌پناه است، بدون معرفت فاطمه علیها السلام به خدا نمی‌توان رسید، با قطع نظر از اینکه فاطمه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله است، با قطع نظر از اینکه فاطمه زوجه امیرالمؤمنین علیه السلام و کفو امیرالمؤمنین علیه السلام است، با قطع نظر از این خصوصیات ما باید آن حضرت را بشناسیم. امیدواریم شفاعت آن حضرت که شفیعۀ بزرگ خداوند در محشر است، شامل حال همه ما و محبّین آن حضرت بشود، إنشاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



فاطمیه و احیاء حقیقت دین^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا وَأَجُورَكُمْ بِهَذِهِ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى»

خدای تبارک و تعالی به همه پیروان اهل بیت عصمت و طهارت که در ایام فاطمیه، یاد این مصیبت بزرگ عالم بشریت را احیا کرده و این حقیقت و جوهر دین یعنی ولایت را زنده نگه داشتند و پاسداری کردند، اجر زیادی مقدر و آثار بسیار زیادی در دنیا و آخرت بر این کار بزرگ مترتب فرماید. مخصوصاً مردم ایران، به ویژه قمی‌ها که پیش‌تاز در عزاداری فاطمیه بودند و بعد از گذشت بیش از ده سال ملاحظه می‌کنیم که این عزاداری‌ها امروز جهانی شده و نه فقط در ایران، نه فقط در شهرهای مذهبی بلکه در همه نقاط دنیا و در هر جایی که پیروان اهل بیت حضور دارند. به صورت باشکوه برگزار می‌گردد.

۴۵

بیان چند مطلب ضروری است. یکی اینکه مقصود اصلی از این عزاداری‌ها این است که ما می‌خواهیم حقیقت دین را زنده نگه داریم؛ یعنی این عزاداری‌ها برای زنده نگه داشتن آن حقیقتی است که رسول خدا ﷺ و همه انبیاء و اولیاء خدا در طول تاریخ به دنبالش بودند. درست

۱. سخنرانی در جمع مسئولان هیئات فاطمی؛ ۱۵ فروردین ۱۳۹۳.



است مصائب حضرت زهرا علیها السلام بسیار سنگین است، برای آسمان و زمین هم سنگین است، اما هدف اصلی از بیان این مصائب و ستم‌هایی که بر این بی‌بی وارد شد تبیین انحرافی است که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به وجود آمد و قضیه به آن سمت پیش می‌رفت که تمام آمال و آرزوهای انبیاء از آدم تا خاتم برباد برود؛ زیرا تلاش همه ادیان گذشته برای آمدن اسلام بود. تمام انبیاء مقدمه‌ای برای نبوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و اولاد طاهرینش بودند.

این مصائبی که این روزها بر حضرت وارد شد برای آن بود که دشمنان دین و منافقان درصدد بودند تمام تلاش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را از بین ببرند! ارزش عزاداری ما و شما و این دسته‌جات و هیئات حول این محور است. آنها که اهل تحقیق هستند و شما می‌دانید مسأله تنها موضوع فدک و غصب خلافت نبود! مسأله فوق اینها بود، تاریخ وهابیت را ملاحظه کنید؛ ببینید ابن تیمیه که یکی از ارکان وهابیت بوده با آیات قرآن چه کرده؟ چه تحریف‌ها و انحرافات و دروغ‌هایی در کتابش آورده؟! سوره‌ها و آیاتی را که مسلم در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده، ملاحظه کنید در منهاج السنه/ش چه کرده است؟ راجع به قضیه سه روز روزه گرفتن برای شفای حسنین که به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود نذر کنید اگر شفا پیدا کردند سه روز روزه بگیرید، وقتی حسن و حسین شفا پیدا کردند آنها سه روز روزه گرفتند و افطار هر روزشان را یک شب به مسکین دادند، یک شب به یتیم و یک شب به اسیر، آنگاه این آیات سوره دهر نازل شد: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾^۱.

خوب دقت کنید این فرد که اسمش را شیخ الإسلام گذاشته‌اند، در



کتاب خودش می‌گوید اصلاً این حدیثی که در مورد شأن نزول این آیات ذکر شده جعلی و ساختگی است،^۱ در حالی که قبل از وی بیش از ۳۰ نفر از بزرگان، مفسران و محدثان اهل سنت مثل فخر رازی، تا علما قرن‌های دوم، سوم و چهارم، (خود این آدم مربوط به قرن هفتم و هشتم است)، تماماً گفته‌اند این آیات مربوط به علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام و فضه^۲ خادمه است.^۳

داستان مفصل این آیات را خود زمخشری که یکی از بزرگان اهل سنت است با تمام خصوصیات نوشته، اما این آدم وقتی کتاب می‌نویسد، آنرا ساختگی می‌نامد. این خود دلیل روشنی است که آنها فقط دنبال غصب خلافت و فدک نبودند بلکه در صدد وارونه کردن تمام دین بودند که حالا وقت نیست و من هم نمی‌خواهم وارد این بحث شوم که چقدر آیات قرآن را تحریف کردند، همین فرد در کتابش می‌گوید، اصلاً در تاریخ کسی به نام فضه^۴ خادمه نداشتیم،^۳ در حالی که تاریخ‌نویسان و رجالین قبل از او در کتاب‌های رجالی‌شان نام فضه را به عنوان خادمه فاطمه زهرا علیها‌السلام، ذکر کرده‌اند.

ولی این آدم با عناد و لجاجت و روی بغضی که نسبت به اهل بیت دارد می‌گوید اصلاً ما کسی به نام فضه^۴ خادمه نداشتیم! سپس می‌گوید حدیثی در کتاب‌های ما وجود دارد که نذر کردن مکروه یا ممنوع است، پس چطور می‌شود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیرالمؤمنین علیه‌السلام بگوید برای شفای حسنین نذر کند؟ این فرد نمی‌داند خود قرآن می‌گوید «يُؤْفُونَ بِالتَّنْذِرِ»،^۴ وفای به نذر واجب است و این یکی از مناقب و فضائل ابرار است، یکی از فضائل اهل بیت است، در مواردی که انسان گرفتار یک ضرورتی شود کدام فقیهی گفته نذر مکروه است؟

۱. منهاج السنة، ج ۷، ص ۱۸۳.

۲. تفسیر الکبیر، ج ۳۰، ص ۷۴۶. روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۷۳.

۳. منهاج السنة، ج ۷، ص ۱۸۲.

۴. انسان: ۷.



بله در یک مواردی که ضرورتی وجود نداشته باشد و انسان بی خود نذر کند، این شاید مکروه باشد، یا لاقفل رجحان نداشته باشد.

حرف این است که درصدد برآمدن تمام حقایق قرآن را تحریف کنند، شما فضلاء و علماء و اهل تحقیق آیاتی که در قرآن کریم پیرامون مهدویت و حضرت حجت علیه السلام وجود دارد را ملاحظه فرمایید، انسان وقتی به تفاسیر این افراد مراجعه می کند می بیند قرآن چقدر مظلوم است؟ چه بلایی سر قرآن آوردند، چقدر با قرآن بازی کردند؟

در سفر اخیری که مدینه مشرف بودم در قبرستان بقیع زیارت جامعه کبیره را می خواندم، یک آخوندی از همین ها آمد گفت این شرک است، شما مشرک هستید، یا محمد و یا علی می گوئید و یا الله نمی گوئید، به او گفتم من عمل به قرآن می کنم، گفت تو که الان کتاب دعا می خوانی؟ گفتم نه عمل به قرآن می کنم، قرآن فرموده: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ»،^۱ معنای این آیه این است وقتی مردم در زمان رسول خدا گناه کرده و به خودشان ظلم می کردند خدمت رسول خدا می آمدند تا برای آنها استغفار کند. از او پرسیدم جاووک یعنی چه؟ یعنی می آمدند رسول خدا را نگاه می کردند؟ یا می آمدند می گفتند یا محمد استغفرلنا، پس معلوم می شود ما باید رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را بین خود و خدا واسطه قرار بدهیم، الآن هم آمدیم کنار قبور اینها که در عالم برزخ هستند، قرآن هم که می فرماید: «وَمَنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»،^۲ ما معتقدیم انسان بعد از این عالم حیات برزخی دارد، نه فقط ائمه، همه اموات حیات دارند. بنابراین خواندن زیارت جامعه عمل به این آیه قرآن است.

اینها نه فقط قرآن، حتی سنت پیامبر را حفظ نکردند. فقط دنبال این

۱. نساء: ۶۴.

۲. مؤمنون: ۱۰۰.



نبودند فدک را از دست فاطمه زهرا علیها السلام بگیرند و مسأله تمام شود. این احیاء فاطمیه که چندین سال است مراجع بزرگ مخصوصاً والد راحل علیه السلام بر آن تأکید داشته و دارند به جهت دفاع از حریم اسلام، قرآن و ولایت است.

مرحوم والد ما در پنج سال آخر عمر خود هر سال به مناسبت سوم جمادی الثانی پیام می دادند و از مردم برای حضور پرشکوه در عزاداری حضرت زهرا علیها السلام دعوت می کردند، به ما می فرمودند با علماء و ائمه جماعات و مسئولین هیئات تماس بگیرید، از ایشان تقاضا کنید تا فاطمیه را همچون عاشورا احیاء نمایند. جهتش هم این بود یک روز مجله ای به دست ایشان رسیده بود و عنوان آن مجله فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت بود. دیدم همین طور اشک از دیدگانشان جاری شد، فرمودند معلوم می شود وهابیت نقشه دارد و می خواهد بر این حقیقت مسلم تاریخی، این ظلمی که به فاطمه زهرا شد سرپوش بگذارد و آن را از بین ببرد.

ما باید خیلی بیدار باشیم که این حقایق از بین نرود. در ذهن کسی القاء نکنند امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام با حکومت وقت خودشان مشکلی نداشتند، اهل تحقیق به صحیح بخاری و مسلم مراجعه کنند، در کتاب های معتبر اینها آمده فاطمه زهرا علیها السلام حاکم زمان خودش را نفرین کرد و فرمود بعد از هر نماز به او نفرین می کنم، در کتابهای خود اهل سنت آمده که فاطمه زهرا علیها السلام «مَأْت وَهِيَ سَاخِطَةٌ عَلَيْهِمَا»،^۱ تا آخر عمرش آن دو نفر را نپذیرفت و با آن دو حرف نزد. اگر فقط ظاهر مادی مسأله فدک بود که شأن فاطمه علیها السلام از این حرف ها خیلی بالاتر بود، آیا می توان گفت وقتی فاطمه علیها السلام غضبناک از آنها بوده امیرالمؤمنین علیه السلام خشمگین از آنها نبوده؟ این ممکن است؟ ما غضب فاطمه علیها السلام را با غضب خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی می دانیم؟ اینها همه نور واحد هستند.

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۱۲۶. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۷۵۹. ابابکر فلم تزل مهاجرة حتى توفيت.



دنبال این هستند که بگویند اهل بیت علیهم السلام بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام با آنها مشکلی نداشتند، در حالی که تاریخ و کتاب های شان پر است از بیان ظلم هایی که بر امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد.

اجمالاً عرض کنم؛ نمی خواهم بگویم کدام کتاب، کدام محدث و مورخ، کدام محقق از اهل سنت و در چه قرن! خوشبختانه مدارک حرف های ما بیشتر در کتب خود آنها آمده، مسأله تهدید بیت خیلی عجیب است، بنده وقتی به کلمه بیت می رسم بدنم می لرزد، بیتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را درباره آن خواند «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» ابوبکر سؤال کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله بیت فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام هم از همین بیوت است؟ حالا اگر کس دیگری این سؤال را کرده بود می گفتیم شاید نادانی کرده و نمی دانسته، ولی او است که از پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرده، حضرت فرمود نه، «هِيَ مِنْ أَفْضَلِهَا»^۱ این از برترین آن بیوت است، یعنی تمام بیوت انبیاء یک طرف و این بیت محقر فاطمه و علی علیه السلام یک طرف. آن وقت ابوبکر و عمر، ساکنین چنین بیتی را تهدید می کنند.

من در یک تکه تاریخی از کتب اهل سنت دیدم ابوبکر به عمر می گوید جمعی را بردار آنجا ببرو با آنها مقاتله کن، یعنی اگر برای بیعت نیامد آنها را بکش! مسأله تهدید بیت، مسأله آمدن دومی را در کتاب های خودشان نوشته اند. دومی تعبیراتی دارد که واقعاً انسان وقتی می خواند از بی حیایی این فرد تعجب می کند، تهدید کرد و عمل کرد، حالا باز یک عده گفته اند بله تهدید کرد ولی عمل نشده! در کتب خودشان آمده که عمل شده، اینها چه چیزی را می خواهند انکار کنند؟ یک حقیقتی است که باید زنده نگه داشته شود.

۱. نور: ۳۶.

۲. الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۰۳.



احیاء فاطمه احیای دین خداست، زنده نگه داشتن مصائب حضرت زهرا زنده نگه داشتن دین خداست، زنده نگه داشتن قرآن است، اگر ما از این امر غفلت کنیم چیزی از قرآن در اختیار ما و آیندگان نخواهد بود. من در همان صحبتی که در بقیع با آن مأمور امر به معروف کردم گفتم چه خیال می‌کنی؟ توحید فقط نزد اهل بیت علیهم‌السلام است، تفسیر قرآن نزد اهل بیت علیهم‌السلام است، اینها حقایقی است که ما باید بر آن محکم باشیم، همین ائمه ما در عین آنکه با آنها مدارا می‌کردند، اما به این حقایق هم اشاره می‌فرمودند. البته مسأله رعایت وحدت در جای خود محفوظ هست.

اهانت نکنید، فحش ندهید، سب اینها را نکنید! نباید این کار را کرد ولی از آن طرف هم نباید چشم‌مان را بر این حقایق ببندیم و آن را به نسل‌های آینده نگوییم، ما در مقابل نسل‌های آینده مسئولیم، در عین اینکه دستور بزرگان ما، امام خمینی رحمته‌الله، رهبری معظم انقلاب، مراجع بزرگوار بر رعایت وحدت است. ما متوجه هستیم این کشتاری که امروز توسط یک عده از سلفی‌ها که در رأس‌شان همین ابن‌تیمیه است که در قرن ششم و هفتم انحرافات فکری او چنین جنایتکارانی را امروز پرورش می‌دهد که بیجۀ شیرخوار را به راحتی سر می‌برند و جگرش را در می‌آورند، این جنایات ریشه در آن انحرافات دارد.

باید هم مراقب این طرف قضیه باشیم و هم حقیقت خودمان را محکم نگه داریم. بنده به سهم خودم برای اینکه آن مرجع بزرگ، والد راحل ما نسبت به فاطمیه بسیار حساسیت داشت خدا را شاکرم که بعد از رحلت ایشان تلاش و تحرک هیئات فاطمی گسترده‌تر شده است. خداوند همه ما را در دنیا و آخرت با فاطمه زهرا علیها‌السلام محشور و شفاعت آن حضرت و اولاد طاهرینش را شامل حال ما بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



فاطمه زهرا علیها السلام پاسدار حریم امامت و ولایت^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾.^۲

توفیق بزرگی است در این ایامی که مصادف با میلاد با سعادت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام و همچنین ولادت رهبر بزرگ انقلاب امام خمینی ره است خدمت شما سروران، فضلا و بزرگان حوزه علمیه استان البرز می‌رسم.

همچنین این ایام مصادف با هفتمین سالگرد ارتحال والد ما علیه السلام می‌باشد. امیدوارم در این ایام که منسوب به صدیقه کبری علیها السلام است، همه فقهای گذشته ما که از دار دنیا رفته‌اند با آن حضرت محشور باشند و ما و شما حوزویان که مانده‌ایم مشمول عنایات خاص حضرت زهرا علیها السلام باشیم. این آیه شریفه به نظر من یکی از کلیدی‌ترین آیات قرآن کریم است که مسلمان‌ها به جهت بی‌توجهی و تفسیر ناصحیح آن و دور بودن از

۱. سخنرانی در جشن میلاد حضرت زهرا علیها السلام، کرج: ۲۸ فروردین ۱۳۹۳.

۲. نساء: ۵۹.

حقیقت آیه گرفتار مشکلات فراوان در طول تاریخ شده‌اند و اگر بعد از رسول خدا ﷺ، جامعهٔ مسلمین همین آیه را محور قرار داده بود، همان طوری که خدای تبارک و تعالی اراده نموده و رسول خدا ﷺ هم بیان کرده و از ظاهر آیه هم فهمیده می‌شود، امروز این اختلافات و این تفرق‌ها و تشتت‌ها نبود. آیه شریفه می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، فقط زیر بار اطاعت خدا و رسول خدا و اطاعت اولی الامر بروید. اطاعت سه گروه واجب است: خدا، رسول و اولوالامر.

اولوالامر کیست؟

خدا و رسولش که برای همه روشن است، آنچه که در آن اختلاف ایجاد کرده‌اند کلمه اولوالامر است، برخی اولوالامرا را به فرماندهان لشکر و برخی به رؤسای قبایل معنا کرده‌اند. اما دو نظر مهم وجود دارد، یکی نظر امامیه و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام است که می‌گویند اولوالامر معصومین علیهم‌السلام هستند، دوم نظر بزرگانی از اهل سنت مثل فخر رازی و مفسران و صاحب نظرانی است که می‌گویند مراد اهل حل و عقدند.

اما عجیب تصریح فخر رازی و دیگران از اهل سنت است که گفته‌اند اولوالامر در آیه را هر طور و بر هر کسی تطبیق کنیم حتماً باید معصوم باشد،^۱ برای اینکه خدا به نحو مطلق می‌گوید از من اطاعت کنید. در هر چه که رسول هم فرمود مطلقاً اطاعت کنید و بعد اولوالامرا اضافه می‌فرمایند، یعنی اولوالامرا هم باید به صورت مطلق اطاعت کرد، انسان نباید چون و چرا در اطاعت اولوالامر داشته باشد، این تقریباً مورد اتفاق است و فردی مثل فخر رازی می‌گوید چون اطاعت از اولوالامر در کنار اطاعت خدا و رسول قرار داده شده هیچ شکی وجود ندارد که باید معصوم باشند.

۱. تفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۱۳.



آنگاه در مقام معرفی معصوم این افرادی که قلب‌شان منور به نور ولایت ائمه معصومین نیست آخرالامر گفته‌اند آنها نخبگان جامعه هستند، کسانی که گره‌های جامعه به دستشان باز می‌شود، تدبیر جامعه در اختیارشان است و به اصطلاح اهل حلّ و عقد هستند، روشنفکران، آگاهان، ورزیدگان در سیاست اینها همه داخل در این عنوان قرار می‌گیرند.

ولی در این معنا با سؤال بسیار مهمی مواجه می‌شوند که نمی‌توانند جواب آن را بدهند. سؤال این است در طول تاریخ از صدر اسلام به بعد در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و دیگران، حاکمانی در ظاهر روی کار آمدند که چه فسادها و انحراف‌هایی در جامعه مسلمین به بار نیاوردند و چه تحریف‌ها که بر کتاب خدا وارد نکردند، آیا مگر این افراد توسط همین اهل حل و عقد به قدرت نرسیدند؟ آیا خدای تبارک و تعالی اطاعت اهل حل و عقد را واجب می‌کند ولو موجب تغییر کتاب خدا و سنت قطعیة رسول خدا شوند؟ اینکه معقول نیست.

روشن است که این اهل حل و عقد گروه خاصی باید باشند که بر غیر امامان معصوم علیهم‌السلام نمی‌تواند تطبیق پیدا کند. امروز این سخن در شبکه‌های وهابیت القاء می‌شود که شیعه چون برای اثبات امامت نمی‌تواند از قرآن دلیل بیاورد سراغ روایات، حدیث غدیر، حدیث ثقلین و حدیث منزلت می‌رود. در حالی که اینها جاهل به ادله‌ای هستند که خود قرآن بر اصل امامت دارد، آیاتی از قرآن دلالت روشن بر امامت دارد حتی بدون نیاز به ضمیمه کردن یک روایت، یکی از آیات همین آیه است.

ما از آنها سؤال می‌کنیم نسب به این اصل بزرگ اطاعت از اولوالامر که خداوند بیان می‌فرماید شما به چه ملاکی معنای اولوالامرا اهل حل و عقد قرار داده‌اید؟ مگر امروز همین اهل حل و عقد در کشورهای عربی نیستند که این خونریزی‌ها را در سوریه و بحرین و جاهای مختلف دنیا به



وجود می آورند؟ مگر امروز اهل حل و عقد در میان بعضی از این سران کشورهای اسلامی نیست که این سیاست های غیر صحیح را در پیش گرفته اند و گروه جنایتکاری را به نام تکفیری ها خلق کرده اند. ریشه تکفیری هایی که امروز در دنیا تولد پیدا کرده اند به این مسأله بسیار مهم و حیاتی اسلام برمی گردد که امامت را انکار کرده و مدعی اهل حل و عقد شدند، بعد هم با صراحت می گویند اهل حل و عقد در هر زمانی اگر مصلحت بدانند یک حکم قطعی اسلام را انکار کرده و کنار بگذارند مانعی ندارد، مثل این جهاد نکاحی که آبروی اسلام را با آن بردند! می بینید چه افتضاحتی امروز عربستان و پیروان آن در قضایای سوریه به وجود آورده و چه آلودگی ها و چه لکه های ننگی را بر دامن اسلام وارد کردند؟ ریشه این فضاخت برمی گردد به اینکه می گویند ما چیزی به نام امامت نداریم و متولی دین در هر زمانی اهل حل و عقد آن زمان هستند، در حالی که خدای تبارک و تعالی متولی دین را در وهله نخست خود و سپس پیامبر ﷺ و ائمه طاهرين  قرار داده، تنها اطاعت این بزرگواران است که به نحو مطلق واجب است.

اختصاص عنوان اولوالامر به امام معصوم 

امروز نظام اسلامی ما برگرفته از همین اصل قرآنی است، هر چند ما در عنوان اولوالامر ولی فقیه را داخل نمی دانیم کما اینکه خود امام خمینی  در همان اوایل انقلاب نامه ای به مجلس نوشتند و فرمودند عنوان اولوالامر مخصوص ائمه معصومین  است.^۱ البته همین ائمه معصومین  که اطاعتشان به حکم این آیه واجب است خود فرموده اند در زمان غیبت

۱. پیام امام به نمایندگان مجلس درباره «حدود و مرز در سخنرانی های پیش از دستور»، (۱ آبان ۱۳۶۴): صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۳۷.



سگان نظام اسلامی باید به دست فقیه عادل باشد و اطاعت از آن فقیه عادل اطاعت از ماست.^۱

این نظریه ولایت فقیه در فقه سیاسی که امام مطرح کرده‌اند یک ریشه اساسی قرآنی دارد، ما اطاعت از فقیه را ولو داخل عنوان اولوالامر نمی‌دانیم ولی به همان ملاک و به تبعیت از فرمایش همان اولوالامر می‌گوییم باید از ولی فقیه اطاعت کرد. شما ببینید سی و چند سال از عمر این نظام گذشته، مشکلات کم‌وبیش بوده، داخلی و خارجی، تهدیدها، ولی اساس این نظام روی روش و خط صحیح اسلام پیش می‌رود اما آنهایی که خودشان را به دروغ اولوالامر و اهل حل و عقد می‌دانند امروز جهاد نکاح درست کرده‌اند، زنان و دختران خودشان را که اجازه نمی‌دادند پشت ماشین بنشینند، اجازه نمی‌دادند گوشه چشم‌شان را نامحرم ببینند، می‌گویند بروید در مرزها با مجاهدین ارتباط داشته باشید و بعضی از آنها با یک وضع بسیار بدی برگشته‌اند و افتخار هم می‌کنند که جهاد نکاح است. این مسأله تکفیری که امروز به وجود آمده ریشه‌اش در آن انحرافی است که مسلمین پیدا کردند و مسأله امامت را نتوانستند درست بفهمند.

ولایت امام معصوم مانع ولایت شیطان

آیات سوره مائده را ببینید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ»^۲ معنای امامت این است که انسان فقط زیر بار ولایت خدا رود چون معتقدیم آنچه که رسول خدا و امام بیان می‌کند به همان ملاک است که خدا فرموده، گاهی

۱. «ذلک بان مجاری الامور والاحکام علی ایدی العلماء بالله الامناء علی حلاله وحرامه»، تحف العقول، ص ۲۳۸. «فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا» توقیع اسحاق بن یعقوب» وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۰. «فانی جعلته علیکم حاکما» مقبوله عمر بن حنظله، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۷ و ۳۰۰.
۲. مانده: ۵۱.



بعضی از اهل سنت می‌گویند چطور می‌شود خدا اطاعت یک انسانی که مثل خود ماست در همه موارد واجب بدانند؟ جوابش این است که خداوند متعال ملاک اوامر خود را در اختیار این انسان هم قرار داده، امام معصوم ملاک دیگری برای امر و نهی‌اش ندارد، در فرمانش هوی و هوس دخالت ندارد، هوی و هوس برای غیر معصوم است.

خدا می‌فرماید اگر کسی زیر بار یهود و نصاری برود و آنها را ولی خود قرار دهد از جمله آنها شده و از دایره مسلمین خارج می‌گردد! امروز ببینید، همین سردمدارانی که ادعای اسلامی بودن و پیروی از قرآن را دارند، همه زیر یوغ ابرقدرت‌ها هستند، اینها باید بگویند با این فراز آیه «فَأِنَّهُمْ مُنْتَهُم»، چکار می‌کنند؟ قرآن می‌فرماید اگر زیر بار این آیات رفته و ولایت ائمه معصومین که همان ولایت خدا و رسول است را بپذیرید تحت عنوان حزب الله قرار می‌گیرید. در غیر این صورت تحت عنوان تکفیری‌ها، یهودی‌ها و حزب شیطان در می‌آیید! کسی نمی‌تواند بگوید من که گناه می‌کنم تحت ولایت شیطان نیستم، امکان ندارد. اینها با هم ملازمه دارند. اصل امامت این قدر مهم است که دختر پیغمبر فاطمه زهرا علیها السلام این چنین برای حفاظت از آن فداکاری می‌کند.

روایتی در کتاب شریف کافی در مولد فاطمه زهرا علیها السلام هست که روایت بسیار خوبی است، این تعبیر را تا قبل از مراجعه به این روایت ندیده بودم! امام باقر علیه السلام می‌فرماید «لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مَلِكٍ عَظِيمٍ فَاطِمَةَ زَهْرًا علیها السلام را در این روایت ببینید تا دریابید که چه شخصیت عظیمی شهید راه امامت شد؟ «فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ»، خدا به ملکی الهام کرد که بر لسان رسول من نام این دختر را فاطمه قرار بده، «ثُمَّ قَالَ» (یعنی خود خدا فرموده) ظاهر روایت این است که فاعل قَالَ خداست، «إِنِّي فَطَّمْتُكَ بِالْعِلْمِ». فرزندی را که از شیر می‌گیرند فطیم می‌گویند، خدا



می فرماید «فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ» یعنی من کام وجود تو را با علم قرار دادم، چه تعبیر بلندی است! بعد امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْعِلْمِ وَ عَنِ الظُّمْتِ فِي الْمِيثَاقِ»،^۱ بخدا سوگند که خداوند این کار را در میثاق انجام داده نه در خلقت ظاهری فاطمه زهرا علیها السلام.

این فاطمه ای که همه وجودش علم است، فطمتک بالعلم یعنی تو تجسم علم هستی؛ این مجسمه علم و فضیلت با بصیرت خود پشت پرده جریان سقیفه را دید و فهمید که چه چیز در خطر است؟ فهمید که آن اصلی که می تواند اسلام را نگه دارد، در حال انحراف است! معاد چیزی نبود که اسلام بخواهد از آن منحرف شود، نبوت هم چیزی نبود! اما اصل امامت که شرط بقاء اسلام است در مخاطره قرار گرفته بود.

من معتقدم امروز وظیفه اولیه همه مسلمان ها مخصوصاً علماء این است که حقیقت امامت را درست بفهمیم. بدون هیچ تعارفی ولو محب و علاقمند و شیعه اهل بیت علیهم السلام هستیم ولی واقعاً نمی شود گفت امامت را درست فهمیده ایم، این دعا را هر روز باید بخوانیم که «عَزَفْنِي حُجَّتَكَ»،^۲ انسان باید با مصداق حجت خدا ارتباط داشته باشد، برای مشکلات جامعه، برای حل معضلات جامعه هیچ راهی غیر از این وجود ندارد، یکی از علمای بزرگ الازهر مصر به نام دکتر الهالالی چندی پیش در قم به دیدار ما آمد، با اینکه عالم سنی است، اما خیلی روشن و ارزنده، وقتی دید نام مرکز فقهی ما ائمه اطهار علیهم السلام است چقدر راجع به ائمه اطهار علیهم السلام و حبش نسبت به اهل بیت علیهم السلام گفت و حتی آن را مکتوب هم نوشت که ما لذت بردیم.

من به او گفتم کلید حل مشکل تکفیری ها که امروز به دست بعضی از سران نادان کشورهای اسلامی و در درون سازمان های امنیتی اسرائیل

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۹۶.

۲. مصباح المتعجد، ص ۴۱۲. مفاتیح الجنان، دعای در زمان غیب امام زمان علیه السلام.



طراحی شده و آنها را به جان اسلام و مسلمین انداخته‌اند چیست؟ از من پرسید شما می‌گویید کلیدش چیست؟ گفتم راه حل فقط رجوع به امامت و محور قرار دادن اهل بیت علیهم‌السلام است، نیایم از خودمان چیزی را به اسلام اضافه یا کم کنیم، فقط آنچه آنها فرموده‌اند را برطبق آن مضامینی که در دعاها و زیارت‌های ما وجود دارد بگوییم که سوار شدن بر کشتی اهل بیت علیهم‌السلام موجب نجات است، در دعاها و روایات ما آمده، «مَنْ رَكَبَهَا نَجَى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»^۱ امروز برای حل قضیه تکفیری‌ها هیچ راهی جز پناه بردن به اهل بیت علیهم‌السلام و محور قرار دادن اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام وجود ندارد، کما اینکه کشور ما در جنگ تحمیلی و تمامی بحران‌های ایجاد شده در پناه همین ذوات مقدسه حفظ و اداره شده است.

نسبت به وجود عزیز فاطمه زهرا علیها‌السلام امام صادق فرمود «مَكْتُبٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسَةٌ وَسَبْعِينَ يَوْمًا»، روایت ۷۵ روز که قوی‌ترین قول می‌باشد همین است. و «كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا»، نسبت به غم از دست دادن پدر بزرگوارش حزن شدید داشت «وَكَانَ يَأْتِيهَا جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا وَيَطِيبُ نَفْسَهَا» جبرائیل خدمتش می‌رسید و به حضرت تسلیت می‌داد و ایشان را آرام می‌کرد، «وَيُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا» به حضرت عرض می‌کرد پدر شما در چه مکانی در عالم برزخ هست، و چه قضایایی در امت پدر توافق خواهد افتاد «وَكَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَام يَكْتُبُ ذَلِكَ»^۲ امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم این مطالب را می‌نوشت، امیرالمؤمنین علیه‌السلام حوادث پشت درب واقع شدن را می‌دانست، حوادث سقط محسن را می‌دانست، حوادث تورم و مجروح شدن بازوی فاطمه زهرا علیها‌السلام را می‌دانست اما مأمور به صبر بود.

۱. بصائر الدرجات، ص ۳۱۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۷۳ و ج ۳ ص ۱۶۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۹۹ و ج ۲، ص ۴۸۹.



من از حضور شما روحانیت بزرگوار و معظم، ائمه جماعات و ائمه
جمعه استان البرز سپاسگزارم که مَنّت گذاشتید و برای عرض ادب به
ساحت مقدس فاطمه زهرا علیها السلام و گرامی داشت ولادت امام خمینی ره و
تجلیل از یک فقیهی که عمر خودش را برای نشر آثار فاطمه زهرا علیها السلام و
اهل بیت علیهم السلام گذاشت تشریف آوردید و ما را مفتخر به حضور خود کردید و
از استاد بزرگوار حوزه حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای
کریمی که والد ما وقتی ایشان برای تصدی مسئولیت‌ها، از قم بیرون آمدند
فرمودند یکی از اشخاصی که اگر در قم می‌ماند از بزرگان طراز اول می‌شد
جناب آقای کریمی است، از ایشان و دوستانی که در دفتر حضور دارند و
خدمتگزار مردم متدین و مؤمنین هستند تشکر می‌کنم. خداوند اعمال
همه ما را مشمول رضایت خودش قرار بدهد. ان شاء الله

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين



فاطمه زهرا علیها السلام نور محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

جلسه بسیار معظم و نورانی است، موضوع و محتوای جلسه سوگواره شعر فاطمی است. همه ما باید از قریحه‌های خدادادی که به برخی از چهره‌های ارزنده عنایت شده است بهره‌مند شویم.

بر حسب وظیفه از حضور شما مردم ولایی، طلاب و فضلا و بالأخص سرمایه‌های ادبی شعر آئینی تشکر می‌کنم. امروز قم به وجود این سرمایه‌های بزرگ در شعر آئینی افتخار می‌کند. مایل هستم با بیان چند جمله کوتاه سهمی در این محفل نورانی داشته باشم.

روایتی هست که من هرچه فکر کردم نتوانستم معنای آن را بفهمم و نباید هم انتظار داشته باشم که معنای این روایت را بفهمم! افراد بزرگ‌تر از ما نیز که واجد مراتب بسیار بالایی بودند، آنها هم نتوانستند بفهمند. واقع مسأله این است که روایاتی در مورد فاطمه زهرا علیها السلام وارد شده که اگر سال‌ها دروس خارج اجتهادی پیرامون این روایات گذاشته شود بحث به انتها

۱. بیانات در سوگواره شعر فاطمی محبوبه خدا، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۲۰ اسفند ۱۳۹۳.



نخواهد رسید. ما قبل از آنکه به دنبال مصائب حضرت زهرا علیها السلام باشیم که باید باشیم و برآن همیشه اشک بریزیم ولی قبل از آن باید در پی فهم فضائل حضرت زهرا باشیم.

حرف ما با جاهلان و نابخردان این است، کسانی که فاطمه زهرا علیها السلام را فقط در حد یک دخت نبی می بینند که مثل دخت انبیاء دیگر است، از این افراد می پرسیم با این روایاتی که از شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده و در کتب عامه هم وجود دارد، چه باید کرد؟ آیا می توان نسبت به شخصیتی با این همه فضائل که درکش برای ما ممکن نیست، بی تفاوت باشیم؟ هرگز، باید این جلسات هرچه بیشتر ما را به حضرت زهرا علیها السلام نزدیک کند.

من یادم می آید جناب آقای سازگار هر زمان خدمت مرحوم والد ما علیه السلام می آمدند و شعر می خواندند ایشان می فرمودند من هر چه فکر می کنم این ذوق شما شاعران غیر از عنایت خدا هیچی نیست. باید آقایان شعرا این عنایت ویژه را در فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام مصروف نمایند.

خلقت نوری حضرت مقدم بر آفرینش

امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام، امام باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام، امام سجاد علیه السلام از حسین بن علی علیه السلام، از امام حسن علیه السلام، از امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله، نقل می کنند که حضرت فرمود: «خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ علیها السلام قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»^۱ نور زهرا قبل از خلقت آسمان و زمین خلق شده. این یعنی چه؟ یعنی اگر نور فاطمه نبود، نه آسمانی بود و نه زمین، اگر نور فاطمه نبود، نه انسی بود و نه جن.

البته عرض کردم معنایش را نمی فهمیم واقعاً باید اقرار کنیم که

۱. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۴۱۹.



معنایش را نمی‌فهمیم! حقیقت فاطمه علیها السلام در کلمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و ما باید خودمان را به این حقیقت نزدیک کنیم. اگر بخواهیم به حقیقت وجودی خودمان نیز برسیم تا حقیقت حضرت زهرا علیها السلام را درک نکنیم ولو به اندازه ظرفیت خود، به نتیجه نخواهیم رسید.

فاطمه‌شناسی جزء سلسله علل خداشناسی است، این اعتقاد ماست که مبتنی بر آیات قرآن و روایات است. ما تا اهل بیت علیهم السلام را نشناسیم، تا فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و اولاد آنها را نشناسیم، اصلاً نمی‌توانیم خدا را بشناسیم. این جلسه برای خداشناسی و رسیدن به خداست منتهی از مسیر اصلی خودش. این تعبیری که در زیارت جامعه کبیره وجود دارد، همه‌اش دلیل بر این مدعای ماست.

در روایت دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا سَلْمَانُ خَلَقَنِي اللهُ تَعَالَى مِنْ صَفْوَةِ نُورِهِ وَ دَعَانِي فَأَطَعْتُهُ»؛ خدای تبارک و تعالی من را از نور خاص خودش آفرید و مرا دعوت به خود کرد و من اطاعت کردم، «فَخَلَقَ مِنْ نُورِي عَلِيًّا وَ دَعَاهُ فَأَطَاعَهُ» از نور من علی را خلق کرد و او را هم به سوی خودش دعوت کرد، و او هم اطاعت کرد. سپس فرمود «فَخَلَقَ مِنْ نُورِي وَ نُورِ عَلِيٍّ فَاطِمَةَ وَ دَعَاَهَا فَأَطَاعَتْهُ»؛^۱ می‌فرماید از نور خود رسول خدا (که صفوة نور خداست)، و نور علی، فاطمه را خلق کرد و او را نیز به سوی خودش خواند، فاطمه هم اطاعت کرد.

ما به چنین مخلوقی که خلقت او مقدم بر آفرینش تمام خلایق است، همراه با نور رسول خدا و نور امیرالمؤمنین است، به چنین عزیزی، به چنین دُرْدانۀ در عالم وجود افتخار می‌کنیم و در سوگ شهادت چنین موجودی عزاداریم.

۱. مقتضب الاثر فی النص علی الانمه الاثنی عشر، ص ۶.



صاحب ولایت تکوینی

شخصیتی که به مقتضای خلقت نوری اش و همین روایات کافی است که بگوییم همان‌گونه که ائمه ما ولایت تکوینی داشتند، فاطمه زهرا علیها السلام هم داشته است. روایات عجیبی در همین زمینه وجود دارد.

روایات مربوط به دستاس را ببینید. ^۱ اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ سلمان، ابوذر، عمار می‌گویند ما می‌آمدیم پشت در خانه فاطمه، حضرت مشغول خواندن قرآن بود، ولی دستاسش حرکت می‌کرد. به اراده چه کسی حرکت می‌کرد؟ به اراده‌ای که خدای تبارک و تعالی به او داده بود و نظیر این روایات فراوان است.

چنین موجودی که خدا به او این عنایت را کرد؛ قبل از خلقت آسمان و زمین از نور رسول و نور ولی اش او را آفرید و چنین قدرتی به او داد، یک چنین وجودی که در روز قیامت آن مقام شفاعت عظمی و شفاعت کبری را دارد.

خوشا به حال شما شعرا، خوشا به حال شما خطبا، خوشا به حال شما عزاداران فاطمه زهرا علیها السلام، آن روزی که منادی در روز قیامت ندا می‌دهد که ندای خود حق تبارک و تعالی است و می‌فرماید: «یا حَبِیبَتِی وَ ابْنَةَ حَبِیبِی»، - چه عنوان خوبی را برادر عزیزمان جناب آقای برقععی و دوستانشان برای این سوگواره انتخاب کرده‌اند؛ «محبوبه خدا»، این عنوان شاید از خیلی از عناوینی که تا کنون مطرح شده بهتر باشد.

حضرت و توجه به شیعیان

خدا در قیامت حضرت را چنین صدا می‌زند «یا حَبِیبَتِی وَ ابْنَةَ حَبِیبِی سَلِّیْنِی تُعْطِی» از من بخواه تا به تو عطا کنم «وَ اَشْفَعِی تُشَفِّعِی فَوْعَزَّتِی وَ

۱. دلائل الامامة، ص ۱۳۹-۱۴۱. المناقب، ج ۳، ص ۱۱۶.



جَلَالِي لَا جَازِنِي ظَلْمُ ظَالِمٍ»؛ خدا می فرماید فاطمه جان، هر چه می خواهی بخواه و هر کسی را می خواهی شفاعت کن، که شفاعت تو قبول می شود. بعد بی بی دو عالم عرض می کند: «الْهَى وَ سَيِّدِي ذُرِّيَّتِي وَ شَيْعَتِي وَ شَيْعَةَ ذُرِّيَّتِي وَ مُحِبِّي وَ مُحِبِّي ذُرِّيَّتِي»؛^۱ باز می فرماید آنکه محب من بوده می خواهم شفیع او شوم. این مقامات، این ویژگی ها را در کدام زن در تاریخ سراغ داریم؟

لذا هر سال باید فاطمیه باشکوه تر شود، اینکه مراجع بزرگ ما فریاد می زنند که نسبت به فاطمیه توجهات مان را بیشتر کنیم برای آن است که مبادا با غفلت و بی توجهی این سرمایه از ما گرفته شود یا خدای نکرده از این سرمایه بهره مند نشویم، هر سال باید فاطمیه باشکوه تر باشد، هر سال باید کتاب های متعدد از شعرای عزیز ما به میدان این جلسات و به میدان ادب درآیند تا همه از آن استفاده کنند.

من از حضور شما عزیزان تشکر می کنم، به این نکته فکر می کردم فاطمه ای که قدرت دارد به لطف و اذن خدا دستاس در خانه او بچرخد، فاطمه ای که مانند حضرت مریم، رزق او از ناحیه خدا در کنار او حاضر می شود، فاطمه ای که همه ملائکه خادم او بودند و می توانست برای دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام راه دیگری را طی کند، وقتی ما او را حجت می دانیم و بر حسب این روایات ولایت تکوینی برای حضرت قائل هستیم، او این قدرت را هم داشت که پشت در قرار نگیرد، او قدرت داشت که نگذارد بر بازویش ضربه وارد شود، او قدرت داشت دستی را که بخواهد سیلی بر صورتش بزند عاجز کند، اما چرا این مسائل را ترک کرد؟ سری است که باید در قیامت برای اهلش روشن شود.

خدایا همه ما را مشمول عنایات خاص فاطمه زهرا علیها السلام، امیرالمؤمنین و

۱. الامالی، ص ۷۰.



اولاد آنها علیهم السلام قرار بده. خدایا انقلاب ما، نظام ما، رهبری معظم ما،
حوزه‌های علمیه و مراجع ما را در کنف عنایات خاصه حضرت فاطمه
زهرا علیها السلام محفوظ بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



فاطمه زهرا علیها السلام نور ساطع خدا (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

به مناسبت ایام فاطمیه اول و اینکه فردا سیزدهم جمادی الاولی بنا بر یک نقل مصادف با شهادت حضرت زهرا علیها السلام است در ابتدای بحث تذکر چند جمله ضرورت دارد.

باید بدانیم هویت و حقیقت شیعه، استمرار و بقاء آن مرهون حضرت زهرا علیها السلام است، هر چند ائمه ما علیهم السلام اولاد این حضرت هستند و مسأله امامت آنان از اصول دین ما است ولی شناخت حضرت زهرا علیها السلام و آگاهی پیدا کردن بر ابعاد وجودی آن حضرت، خود یک میدان بسیار وسیع است که انتهایی ندارد. لذا ما باید حضرت زهرا علیها السلام را بیشتر بشناسیم. این ایام که مجالس عزاداری برپاست در کنار بیان ظلم‌ها و مصیبت‌های بزرگی که بر حضرت وارد شده تلاش کنیم مقام حضرت را بیشتر بشناسیم.

در کتاب بحار الانوار جلد ۴۳ که عمده مطالب اش مربوط به حضرت زهرا علیها السلام است، روایاتی وجود دارد که با خواندن آن انسان از شخصیت و عظمت این بانوی بزرگ جهان آفرینش مبهوت می‌ماند. در یک روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدْرُونَ لِمَا خُلِقَتْ فَاطِمَةُ قَالُوا اللَّهُ وَ

۱. بیانات در درس خارج فقه ۲ اسفند ۱۳۹۴.



رَسُولُهُ أَغْلَمُ قَالَ خُلِقَتْ فَاطِمَةُ حَوْرَاءَ إِنْسِيَّةً لَا إِنْسِيَّةً. اهمیت این مطلب چنان بوده که پیامبر ﷺ ابتدا به ساکن بدون آنکه کسی از ایشان سؤال کرده باشد خطاب به مردم می فرماید: می دانید کیفیت خلقت این بانو چگونه بوده است؟ گفتند: ما نمی دانیم خدا و رسول خدا آگاه به آن است، فرمود فاطمه زهرا علیها السلام فقط به صورت یک انسان خلق نشده، بلکه مرکب از حورا و انسیه است یعنی کیفیت خلقت حضرت با سایر انسان ها فرق دارد، خلقت آنها تمحض در شکل انسانی دارد اما شاکله آن حضرت مرکب از شاکله انسانی و حورایی است.

سپس می فرماید «خُلِقَتْ مِنْ عَرَقِ جَبْرَيْلَ وَمِنْ زَعْبِهِ»، فاطمه از عرق و پر جبرئیل آفریده شده. زغب، پره های ریزی است که در بدن جوجه وجود دارد. آنها می گویند «یا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكَلَ عَلَيْنَا» این مطلب برای ما مشکل شد، شما دو مطلب فرمودید یکی آنکه خلقت فاطمه علیها السلام به صورت حوراء انسیه است نه فقط انسیه، دوم آنکه از عرق و پر جبرئیل آفریده شده. درک این مسئله خیلی مشکل است قضیه چیست؟

فرمود الآن قضیه را به شما خبر می دهم! «أَهْدَى إِلَيَّ رَبِّي تُفَّاحَةً مِنْ الْجَنَّةِ» خدای تبارک و تعالی سببی را از بهشت به من اهدا فرمود «أَتَانِي بِهَا جَبْرَيْلُ فَضَمَّهَا إِلَيَّ صَدْرِهِ» جبرئیل این سب را به صدر (سینه) خودش چسباند و برای من آورد «فَعَرَقَ جَبْرَيْلُ وَعَرَقَتِ التُّفَّاحَةُ» جبرئیل عرق کرد و قطراتی هم بر این سب قرار گرفته بود «فَصَارَ عَرَقُهُمَا شَيْئاً وَاحِداً» رطوبت هر دو یکی شد، توجه کنید به کیفیت آوردن این سب توسط جبرئیل یعنی این سب را به صورت یک شیء معمولی نیاورد در دست حضرت قرار دهد. نوعاً انسان تحفه بزرگی را که برایش احترام قائل است به سینه اش می چسباند. «ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ قُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جَبْرَيْلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيْكَ تُفَّاحَةً مِنْ



الْجَنَّةِ» جبرئیل آمد و با عرض سلام و درخواست رحمت و برکات خداوند بر رسول خدا گفت: خدای تبارک و تعالی سببی را از بهشت برای شما اهدا کرده است.

«فَأَخَذْتُهَا فَقَبَّلْتُهَا وَوَضَعْتُهَا عَلَى عَيْنِي وَصَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي» این عبارت می‌رساند که چقدر جبرئیل برای این سبب تکریم و احترام قائل شده است. چون به عنوان یک غذای معمولی و یا بهشتی که از عالم بالا می‌آید، نبود. غذای بهشتی برای مریم علیها السلام یا برخی دیگر از اولیاء هم آمد! ولی بدین صورت نبوده که جبرئیل آن را بگیرد و ببوسد و بر چشم خود قرار دهد و بر سینه بچسباند. «ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ كُلْهَا» جبرئیل عرض کرد یا رسول الله این سبب را میل کن. «قُلْتُ يَا حَبِيبِي جِبْرَائِيلُ هَدِيَّةٌ رَبِّي تُؤَكِّلُ» پیامبر می‌فرماید: آیا هدیه پروردگارم را بخورم؟ این هدیه خدای تبارک و تعالی به من است و هدیه را باید حفظ کرد و نباید آن را بخورم «قَالَ نَعَمْ قَدْ أُمِرْتُ بِأَكْلِهَا» اما جبرئیل می‌گوید شما مأمور به خوردن این هدیه هستید. تا اینجا ببینید چه نکات خوبی در روایت بود، باز پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید «فَأَفَلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ مِنْهَا نُورًا سَاطِعًا فَرَعْتُ مِنْ ذَلِكَ الْنُّورِ» سبب را که دو قسمت کردم نوری از آن ساطع شد. عجیب این است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که عقل اول است و بعد از خدای تبارک و تعالی نوری فوق او وجود ندارد، می‌فرماید از این نور وحشت کردم، یعنی اینقدر نور درون آن سبب عظمت داشت، که حضرت را به وحشت افکند. از این نور و از این سبب بنا هست فاطمه زهرا علیها السلام به دنیا بیاید.

جبرئیل عرض کرد «قَالَ كُلِّ فَإِنَّ ذَلِكَ نُورُ الْمَنْصُورَةِ فَاطِمَةَ» سبب را بخور که در این سبب نور فاطمه منصوره است. «قُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ وَمِنْ الْمَنْصُورَةِ قَالَ جَارِيَةٌ تَخْرُجُ مِنْ صُلْبِكَ [وَ] إِسْمُهَا فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ»؛ پرسیدم منصوره کیست؟ جبرئیل گفت: دختری



است که از صلب شما خارج می‌شود و نام او در آسمان منصوره و در زمین فاطمه است. پیامبر ﷺ پرسید چرا در آسمان به او منصوره و در زمین فاطمه می‌گویند؟ در این روایت علت اینکه در آسمان به او منصوره می‌گویند را ذکر نکرده، ولی در روایات دیگر ذکر شده، اینجا فقط می‌فرماید «قَالَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فَطَمَتْ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَفُطِمَتْ أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا» «وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ «وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِخُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ» بِنَصْرِ فَاطِمَةَ ﷺ»^۱ فاطمه نامیده شد چون شیعیان خود را از آتش جدا می‌کند و دشمنان وی از محبتش جدا می‌شوند.

این نکته بسیار مهمی است که دشمنان حضرت از حبّ حضرت جدا و محروم شده‌اند؛ یعنی دشمنان هیچ‌وقت نمی‌توانند حبّ فاطمه زهرا ﷺ را در درون خودشان ایجاد کنند، براساس این روایت این حرف غلطی است که کسی بگوید فاطمه زهرا ﷺ هم یک زنی مثل سایر زن‌ها بوده، محبت و حبّ نسبت به فاطمه زهرا با وجود این مقام‌هایی که نزد خدا دارد و با وجود چنین خلقت نورانی که دارد، غیر از حبّی است که ما نسبت به افراد معمولی داریم.

حبّ رسول خدا ﷺ به آن حضرت هم بر همین اساس بود، اینکه فاطمه ﷺ را می‌بوسید، می‌بویید و می‌فرمود من بوی بهشت را از زهرا استشمام می‌کنم به همین جهت بود. لذا چنین حبّی مراد است. تأکید بنده بر این است که این حبّ را در خودمان زیاد کنیم، این عظمت فاطمه زهرا ﷺ را روزی‌به‌روز بیشتر در فکر و ذهن مان قرار بدهیم. هر سال که می‌گذرد فاطمیه را باشکوه‌تر برگزار کنیم، خانواده‌های خود و نسل امروز را نسبت به مقام‌های والای آن حضرت بیشتر آگاه کنیم.

بحث از این نیست که یک عده برای انکار مصائب وارده بر حضرت

۱. تفسیر القرآن (ابومعاش)، ج ۲، ص ۲۰۹ - ذیل آیه ۵ سوره مبارکه روم. معانی الاخبار، ص ۳۹۶، ح ۵۳.



اشکالات احمقانه‌ای مطرح و می‌گویند آن زمان مثلاً برای خانه‌ها درب بوده یا نبوده؟! بحث فوق این حرف‌هاست، فاطمه زهرا علیها السلام یک موجود و مخلوق این‌چنینی است که از خلقتش گرفته تا دیگر مناقب و فضائل‌اش با تمام انسان‌ها تفاوت دارد. مگر می‌شود یک مسلمان به این موجود توجه پیدا نکند؟ مگر می‌شود شیعه نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام بی‌تفاوت باشد؟ یک چنین وجود بی‌ظنیری بعد از رحلت پدرش چه مدت عمر کرد؟ جامعه اسلامی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله با چنین وجود گران‌مایه‌ای چه کرد که ظرف مدت کوتاهی به شهادت رسید؟ این مصائب وارده بر بی‌بی دو عالم مسأله مسلمی است.

من در سال‌های گذشته هم گفته‌ام. باید «فاطمه‌شناسی» یکی از درس‌های حوزه باشد، هر طلبه‌ای که در حوزه اشتغال به تحصیل دارد باید اطلاعاتش درباره حضرت زهرا علیها السلام قوی باشد، وقتی می‌شنود حضرت زهرا علیها السلام معصوم بوده و مقام عصمت دارد تردید نکند و برایش جای سؤال نباشد! از مقامات علمی حضرت زهرا علیها السلام و تسلطی که بر قرآن داشته آگاه باشد.

شما ببینید در خطبه‌ای که حضرت در مسجد قرائت کردند، چه مقدار به آیات قرآن استدلال فرمودند، آن هم یک زن جوانی که چند روز از رحلت پدرش گذشته و مصیبت زده است. مگر می‌شود یک فرد عادی این قدر به آیات قرآن در یک خطبه تمسک کند؟! اینها همه به خاطر خلقت نوری ایشان است، حالا روایات دیگری در مورد کیفیت علم حضرت زهرا علیها السلام و چگونگی ارتباطشان با ماورای این عالم و ازدیاد علم‌شان، محدثه بودن و مصحف حضرت وجود دارد که باید آنها را خوب بدانیم و نباید از کنارش بگذریم.

این ایام فاطمیه ایامی است که ما اگر بخواهیم به خدا نزدیک شویم با شناخت حضرت زهرا علیها السلام میسر خواهد بود، تقرب به خدا بدون اعتراف به



مقام حضرت زهرا علیها السلام ممکن نیست، این یک مطلبی است که برای ما از خورشید روشن تر است، تقرب به خدا بدون شناخت این بانو امکان ندارد، باید عزاداری‌ها مفصل‌تر از گذشته باشد و نباید از عزاداری فاطمیه چیزی کم شود، اگر شیعه بخواهد بماند و رشد کند باید این عزاداری‌ها مفصل‌تر برگزار شود، ما یک چنین شخصیتی را از دست دادیم، چه ظلم‌هایی بر این شخصیت عظیم شد که اصلاً قابل انکار نیست.

مناسب است در این ایام انسان گاهی اوقات همین کتاب بحار را بردارد و روایات آن را مرور کند، خصوصاً روایاتی که درباره حضرت زهرا علیها السلام هست، ان شاء الله که همه ما مشمول شفاعت این بی بی قرار بگیریم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



فاطمه زهرا علیها السلام نور ساطع خدا (۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای تبارک و تعالی را سپاسگزارم که رزق ما را در این ایامی که همه اهل دل و صاحب‌دلان واقعی و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام عزادار فاطمه زهرا علیها السلام هستند در این مرکز با شکوه همراه با شما جوانان عزیز و روحانیت بزرگوار، برادران و خواهران محترم قرار داد.

به همت شعرای پیشکسوت و شاعران جوان بسیار ارزشمند استان که باید عرض کنم افتخار قم و حوزه علمیه قم هستند، این مجلس عزای فاطمی برپا شده و هر سال می‌بینیم آنچه را بزرگان ما به منظور بیان عظمت فاطمه زهرا علیها السلام برای نسل امروز خود و جامعه بشری دنبال کرده‌اند، در قالب اشعار بدیع مطرح می‌شود.

به نظر می‌آید این اشعار هر سال با محتوای قوی‌تر، ما را به واقع و حقیقت فاطمی نزدیک‌تر و قلوب ما را نسبت به عظمت حضرت زهرا علیها السلام آشنا تر می‌کند.

به همه عزیزان و شعرای بزرگوار عرض می‌کنم شاید یک هزارم از آنچه که در متون روایتی در مورد حضرت زهرا علیها السلام آمده هنوز نه در کتب بزرگان ما که پیرامون حیات حضرت زهرا علیها السلام تألیف شده و نه در اشعار شاعران،

۱. سخنرانی در سوگواره شعر فاطمی «محبوبه خدا»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۴.



نیامده است. روایاتی که انسان هر وقت این روایات را مرور کند برخورد تأسف می خورد که چرا عمری از ما گذشت و از این روایات اطلاع نیافتیم. من این روایت را اینجا ذکر می کنم، روایتی است که نکته های بسیار دارد، بعضی از قسمت هایش را گاهی اوقات از خطبای بزرگوار و شعرا شنیده اید اما شاید به صورت کامل نشنیده باشید.

کیفیت خلقت حضرت در دنیا

رسول اکرم ﷺ فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ»^۱ ای مردم آیا می دانید برای چه فاطمه را فاطمه می گویند؟ و برای چه فاطمه را زهرا می گویند؟ «خُلِقَتْ فَاطِمَةُ حَوْرَاءَ اِنْسِيَّةً لَا اِنْسِيَّةً»، این کلام رسول خداست که فاطمه یک حقیقتی مرکب از انسان و حوریه است. حقیقت او انسان محض نیست، بلکه یک حقیقت کونیه و نوریه هم در ذات او وجود دارد. فرمود وقتی خدای تبارک و تعالی خواست فاطمه ﷺ خلق کند، توسط جبرائیل، سیبی را از بهشت به من اهدا فرمود، «أَتَانِي بِهَا جِبْرَائِيلُ فَضَمَّهَا إِلَيَّ صَدْرِهِ»؛ این سیب چون هدیه پروردگار بود، مانند سایر میوه ها نبود که جبرائیل آن را در دست خود بگیرد و از آن عالم به دنیا نازل کند، این قدر برای او شرافت داشت، عظیم و عزیز بود که آن را به سینه خود چسباند، بوسید و بر چشم خود قرار داد و برای رسول خدا ﷺ آورد و عرض کرد این هدیه ای است از ناحیه خدا برای شما آنرا تناول فرما.

پیامبر ﷺ اولاً فرمود من هدیه خدا را نمی خورم و باید آن را نگه دارم. جبرئیل عرض کرد شما مأمور به خوردن این هدیه هستید و این امر خداست. پیامبر ﷺ می فرماید بعد از اینکه فهمیدم امر خداست، سیب را شکافتم «فَأَفْلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ مِنْهَا نُورًا سَاطِعًا فَفَزَعْتُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ».

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸.



در این روایت دو نکته وجود دارد که اگر عقول همه بشر جمع شود در فهم این دو نکته درمانده و نمی‌توانند آن را معنا کنند. می‌فرماید وقتی سیب را شکافتم نوری از آن ساطع شد که همه عالم را فرا گرفت، این نور از جنس نور معمولی نبود که فقط یک مکان را در یک زمان، نورانی می‌کند، بلکه نور ساطع بود که همه جا را فرا گرفت «فرایت منها نوراً ساطعاً».

نکته دوم اینکه اشرف انبیاء که خود نور و عقل اول خلقت است می‌گوید من از درخشش این نور وحشت کردم. «فَفَرَعْتُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ» بعد چون خدا امر فرموده بود پیامبر سیب را تناول کردند. جبرئیل در پاسخ به سؤال پیامبر ﷺ که این نور چیست عرض کرد «فَإِنَّ ذَلِكَ نُورُ الْمَنصُورَةِ»، این نور منصوره است. پیامبر ﷺ پرسید «یا جِبْرَائِيلُ وَمَنِ الْمَنصُورَةُ؟» منصوره کیست؟ جبرئیل پاسخ داد: فاطمه موجودی است که در زمین او را فاطمه و در آسمان او را منصوره می‌نامند. در آسمان ملائکه به نور زهرا استمداد می‌جویند، در آسمان نور زهرا موجب نصرت ملکوت و ملائکه است. اینها چه تعبیری است؟ حال اگر ما به نام حضرت زهرا ﷺ و به چادر آن حضرت توسل پیدا کنیم، یک مُشت افراد جاهل بی‌خبر می‌گویند توسل یعنی چه!؟

در ادامه روایت و در روایات دیگر خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: زهرا را از نور عظمت خود آفریدم و این نور را در آسمان سُکنی دادم.

ما باید به این روایات توجه کنیم و فاطمه‌شناسی خود را قوی کنیم. باید در این ایام، در اشعار، در منابر و مجالس، مقام حضرت زهرا ﷺ درست بیان شود. غلّوی در کار نیست، اینها متن روایات ماست که می‌فرماید «وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا ذَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى»، گذشته و آینده خلقت بر مبنای معرفت فاطمه نهاده شده است. برای جامعه ما خُسران بزرگی

۱. امالی (طوسی)، ج ۱، ص ۶۶۸.



است اگر فاطمه را تا حدی که می‌تواند بشناسد نشناسند، اینها را باید بیان کنیم و در کنارش مصائبی هم که بر بی‌بی وارد شده باید ذکر شود. من امروز به عنوان یک طلبه ناچیز؛ پیش خود می‌گفتم این چه معمایی است راجع به اخفاء مقامات حضرت زهرا علیها السلام؛ با آنکه قرآن کریم آیات متعدد در شأن حضرت دارد، این را فقط علمای شیعه نمی‌گویند، کتب و تفاسیر اهل سنت مملو از آیات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام است. همچنین روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام در کتب اهل سنت بسیار فراوان نقل شده است، حتی مصائب حضرت زهرا علیها السلام مدارکش در کتب آنها فراوان است. وقتی آیه تطهیر إِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا^۱ نازل شد روایات زیادی در کتب اهل سنت آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله تا شش ماه، هر روز صبح می‌آمدند درب خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام این آیه شریفه را تلاوت می‌کردند.^۲

با وجود اینکه در قرآن، احادیث پیامبر، نقل صحابه و تاریخ همه پُر است از ذکر فضائل و مناقب آن حضرت، به طوری که هیچ نقطه ابهامی راجع به حضرت زهرا علیها السلام نداریم که مجهول باشد، إلا مسأله قبر آن حضرت که خودش وصیت فرمود.

مقام، منزلت، مصائب و همه وقایع مربوط به آن حضرت کاملاً روشن و غیرقابل تردید است، حتی تهدید بیت، احراق بیت، همه‌اش مدرک مسلم و روشن دارد. با این حال چرا نسبت به آن حضرت عناد ورزیده و سکوت کرده و آن را اخفاء می‌نمایند. این او آخر بعضی گفته‌اند آنچه ما در اسناد داریم این است که فاطمه علیها السلام تهدید به احراق شد ولی احرافی در کار نبود!

۱. احزاب: ۳۳.

۲. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۷۶۱.



تا ۲۰۱۰ سال پیش هم بعضی نادان‌ها می‌گفتند مگر آن زمان درب بوده که آن را به آتش بکشند یادشان رفته که کلیدداری باب‌الکعبه از قبل اسلام بوده است. اما حالا مسأله باب را پذیرفته‌اند چون در کتاب‌های خودشان وجود دارد، در بیش از ۲۰ کتاب از کتاب‌های اصلی اهل سنت مصائب حضرت زهرا علیها السلام با همه خصوصیاتش ذکر شده اما این اواخر می‌گویند تهدید به احراق بود ولی احراق واقع نشد.

مسعودی شافعی که از علمای اهل سنت در قرن چهارم و متوفای ۳۴۶ است در کتابش تصریح به هجمه می‌کند: «فَهَجَمُوا عَلَيْهِ وَأَخْرَقُوا بَابَهُ وَاسْتَخْرَجُوهُ مِنْهُ كَرَهَا وَصَغَطُوا سَيِّدَةَ النَّسَاءِ بِالْبَابِ حَتَّى أَسْقَطَتْ مُحَسِّنًا»^۱ بعد می‌گوید درب خانه را آتش زدند، فقط مسأله تهدید نبوده، امیرالمؤمنین علیه السلام را با قهر و غلبه از خانه خارج کردند و به حضرت زهرا آن چنان فشار آوردند که محسنش سقط شد.

سؤال من این است که شعرا، مداحان عزیزی که این چنین اشعار عالی را خواندید که آدم لذت می‌برد از اینکه شعرای دینی و آئینی ما با تمام وجود و اعتقاد شعری می‌گویند نه برای صله و جایزه، گذشت آن زمانی که سرودن شعر برای صله و جایزه بود، اینها به تعبیر مقام معظم رهبری از رویش‌های انقلاب است، من از شما می‌پرسم یک حقیقتی که این قدر روشن هست و هیچ چیز مجهولی ندارد، یک حقیقتی که فوق این بیان تصور نمی‌شود، از قرآن، خدا، رسول، ائمه، صحابه و حتی شخص عایشه که تصریح کرده است، از عایشه پرسیدند محبوب‌ترین زن‌ها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چه کسی بود؟ گفت فاطمه، چاره‌ای جز گفتن این کلام ندارد، چون امر واضحی بود، اما چرا هنوز عناد؟! چرا انکار؟! سکوت و

۱. اثبات الوصیة، ص ۱۴۶.



إخفاء؟! ما باید قدم‌های بلندی در راه معرفت حقیقت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام برداریم.

یاد والد راحل مرحوم آیت الله العظمی فاضل رحمته و دیگر مراجعی که برای احیای فاطمیه تلاش کردند و زحمت کشیدند را گرامی می‌دارم و از خدا می‌خواهم که این قدم را و این مجلس را امشب مورد رضایت حضرت زهرا علیها السلام قرار دهد إن شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



فاطمه زهرا علیها السلام زداينده جهل و جهالت از بشر^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

ايام شهادت فاطمه زهرا علیها السلام را محضر مبارک ولی نعمت همه عالمیان حضرت حجت علیه السلام تسلیت عرض می‌کنم.

خدا را شاکر هستیم که چندین سال است به همت اساتید شعر قم این مجلس باشکوه در این مرکز که به نام ائمه اطهار علیهم السلام مزین است برگزار می‌شود و این قدم بسیار خوب، توفیق بزرگی است برای اظهار ادب و تقرب به ساحت غیرقابل شناخت این بی‌بی بزرگوار. می‌خواهیم با این اندک قدم، معرفتی هرچند ناچیز به آن حضرت پیدا کنیم.

۸۱

بحمدالله اشعاری که خوانده شد حاوی نکاتی بسیار ارزنده بود که تحولی در جان و روح ما ایجاد کرد. این روایت را از امام باقر علیه السلام تقدیم می‌کنم که فرمودند: «لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مَلَكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَسَمَّاَهَا فَاطِمَةَ»؛ وقتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به دنیا آمد خدای تبارک و تعالی ملکی را مأمور کرد که لسان پیامبر صلی الله علیه و آله را ملهم به الهام الهی قرار داده و نام او را فاطمه نهد.

نکته اولی که از این قسمت حدیث استفاده می‌شود این است که

۱. بیانات در مراسم سوگواریه شعر فاطمی «محبوبه خدا»، ۱۰ اسفند ۱۳۹۵.



نام‌گذاری فاطمه به الهام الهی بوده و این خود می‌تواند برای اهل شعر دنیایی از مطلب باشد، چرا خداوند می‌خواهد نام این مولود را خودش معین کند؟ اساساً با این کار چه مزیتی برای این مولود ایجاد می‌شود؟ آیا معنایش غیر از این است که «الْأَسْمَاءُ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ» نام این مولود را باید خالق او که آگاه به تمام ابعاد خلقی و نوری اوست بیان کند.

این فقط یک شرافت خاص یا احترام و تکریم از جانب خدا نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست که خدا بفرماید من به جهت احترام و تکریم این فرزند را نام‌گذاری می‌کنم. در میان ما وقتی فرزندی متولد می‌شود معمولاً از بزرگان فامیل یا یک عالمی می‌خواهیم او را نام‌گذاری کند، این غیر از احترام چیز دیگری نیست، اما این نام‌گذاری حضرت فوق اکرام و ورای تکریم است. این نام برای بیان حقیقت این موجود است، حال آن حقیقت چیست؟

وقتی خداوند نام مولود را فاطمه گذاشت «ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَ فَطَمْتُكَ مِنَ الظُّمْثِ»^۱ فرمود من تو را به سبب علم از هر جهل و نادانی جدا کردم، یعنی این موجود هنگام تولد از سوی خدای تبارک و تعالی مؤید به علم لدنی بود، فاطمه چنین موجودی است. روزی یک زن خدمت حضرت آمده و عرض می‌کند مادرم مریض است و قدرت ندارد خدمت شما بیاید، من را فرستاده برای اینکه چند مسأله فقهی از شما بپرسم، سپس هر مسأله‌ای سؤال کرد حضرت جواب داد،^۲

فاطمه علیها السلام در کدام مکتب درس خوانده و در کدام مدرسه حضور پیدا کرده بود؟ کجای تاریخ برای ما چنین چیزی نوشته شده؟ خدا او را تعلیم داد و فرمود «فطمتک بالعلم» من برای همیشه بین جهل و توجدايي انداختم.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ب مولد الزهراء، ح ۶. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳.



احتمال دیگر آن است اگر فعل فطم به صورت صیغه تفعیل خوانده شود معنایش این می‌شود که مردم به وسیله ارتباط با فاطمه از جهل و نادانی نجات پیدا می‌کنند؛ یعنی «جَعَلْتُكَ قَاطِعَةً لِّجَهْلِ النَّاسِ»^۱. اینها تعابیری است که در مورد حضرت زهرا علیها السلام وارد شده.

ما وقتی صحبت از این می‌کنیم که فاطمیه باید احیا شود، اینکه مراجع ما بیش از ۲۰ سال است فریاد می‌زنند فاطمیه باید احیا شود، نه برای این است که فقط از دختر پیامبر یاد کنیم و برای مصائب و ظلم‌های فراوانی که بر او وارد شد بنشینیم اشکی بریزیم، نه! احیاء فاطمیه برای معرفی حضرت به مردم و بشریت است، بگوییم چه مصائبی و چه بلاهایی به سرچنین وجود شریفی آوردند! برای اینکه نفس خود را در ارتباط با فاطمه زهرا علیها السلام مصفا کنیم. شما به تعابیری که در مورد حضرت زهرا علیها السلام وارد شده دقت کنید. در روایتی امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ قَاطِمَةَ صِدِّيقَةَ شَهِيدَةٌ»،^۲ صدیقه یعنی چه؟

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله علیه در کتاب شریف و بی نظیر *مرآة العقول* می‌گوید صدیقه یعنی کثیر التصدیق نسبت به قول پدرش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این یعنی چه؟ معمولاً ما بر اساس عدم شناخت، صدیقه را راستگو معنا می‌کنیم، ولی صدیقه یعنی کسی که عمق احکام و معارفی را که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، فهمید و در هیچ‌کدام تردید ننمود و همه را تأیید کرد.

مهمتر از این مطلب آنکه صدیقه یعنی موجودی که عمل و فعلش قول او را تصدیق می‌کند، یعنی کسی که حرفش با عمل او یکی است؛ اگر می‌گوید گناه نمی‌کنم نمی‌کند، اگر بگوید از خدا خوف دارم آنچنان او را

۱. علامه مجلسی در توضیح روایت فوق فرمودند (... جعلتک قاطمة الناس من الجهل...) بحار الانوار،

ج ۴۳، ص ۱۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۸۹ و ۴۹۰، ح ۳.





عبادت می‌کند که پاهای مبارکش متورم می‌شود و از این معنا مقام عصمت را می‌توان در حضرت یافت. این تعبیر هم در چند کتاب از کتب اهل سنت ذکر شده که رسول خدا ﷺ فرمود «أَنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا».^۱ ما از علمای بزرگ اهل سنت می‌پرسیم یعنی چه که خدا با غضب یک انسان غضب می‌کند و با خشنودی او خشنود می‌شود؟ آیا این غیر از عصمت چیز دیگری را در بردارد؟

آیا صحیح است از فاطمه‌ای که به مقام عصمت رسیده است وقتی می‌فرماید فدک مال پدرم بود و پدرم آن را به من بخشید، در مسجد و در حضور جمع مردم بپرسند، شاهدت کو؟ این مطلب در کتب تفاسیر اهل سنت در ذیل آیه شریفه «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»^۲ آمده است. چطور می‌توانند با سرافکنندگی این حرف‌ها را در کتاب‌های خود نگاه کرده و آن را توجیه کنند؟ ما با احیاء فاطمیه از یک موجود معصوم که مقامش در ردیف مقام انبیاست تجلیل می‌کنیم. پس باید هر سال فاطمیه باشکوه‌تر از قبل باشد اگر ارزش این را داشته باشیم که درک ما رشد پیدا کند، اگر لیاقت این را داشته باشیم که نفس خود را پاک کنیم، قابلیت این را داشته باشیم که برای فاطمه زهرا (علیها السلام) عزاداری کنیم هر سال باید این‌طور باشد، آقایان شعرا، اساتید علم و ادب و شعر، هر سال باید ده‌ها مجموعه جدید از شعر فاطمی به دنیای بشریت عرضه کنند و بحمدالله امید به این کار از چنین مجالسی می‌رود.

راجع به قضایای آمدن حضرت فاطمه به مسجد و آن جریاناتی که شنیده‌اید. وقتی که فاطمه زهرا (علیها السلام) در مورد حق خودش در مسجد سخن گفت اما سخن او را نپذیرفتند! به او گفتند شاهدت کو؟ ام ایمن آمد،

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۴۷۳۰. جامع الاحادیث، ج ۸، ص ۱۸۶، ص ۷۰۹۸.

۲. اسراء: ۲۶.

نخست از خلیفه اول اقرار گرفت و گفت آیا شنیده‌ای که رسول خدا ﷺ فرمود ام ایمن از زن‌های بهشتی است؟ پاسخ داد بله، گفت پس بدان من شهادت می‌دهم که فدک مال زهراست، علی علیه السلام نیز شهادت داد ولی هیچ‌کدام را قبول نکردند، حضرت کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله چند بیت شعر می‌خواند. ظاهراً این شعر را خود حضرت سروده، به نظر من وقتی انسان بخواند مصیبت حضرت زهرا را بخواند خود همین اشعار به خوبی عمق مصیبت حضرت را بیان می‌کند:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبِئَةٌ
لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكُنْ الْخَطْبُ
إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدَ الْأَرْضِ وَإِلَيْهَا
وَاحْتَلَّ قَوْمُكَ فَأَشْهَدَهُمْ وَلَا تَعْبُ
وَ كُلُّ أَهْلِ لَهُ فُرْبَى وَمَنْزِلَةٌ
عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَذْنِينَ مُقْتَرَبُ
أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ
لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتِ دُونَكَ التُّرْبُ
تَجَهَّمْتُنَا رِجَالٌ وَاسْتُخِفَّ بِنَا
إِذْ غَبَّتْ عَنَّا فَفَنَحْنُ الْيَوْمَ نَعْتَصِبُ
وَ كُنْتُ نُورًا وَبَدْرًا يُسْتَضَاءُ بِهِ
عَلَيْكَ تَنْزِيلٌ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ
وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا
فَقَدْ فَقَدْتَ وَكُلَّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبُ
فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ حَلًّا بِنَا
أَمَا أَنْاسَ فَفَازُوا بِالَّذِي طَلَبُوا



إِنَّا زُرِينَا بِمَا لَمْ يُرْزَنُ دُوشُجِنِ

مِنَ الْبَرِّيَّةِ لَا عَجْمٌ وَلَا عَرَبٌ^۱

«ای پدر! بعد از توفتنه‌ها برپا گردید و صداها‌ی گوناگون بلند شد، که اگر تو زنده و ناظر بودی، این همه اختلاف، رخ نمی‌داد. تواز میان ما رفتی و حال ما مانند آن زمینی شد که باران‌های نافع از آن قطع شود و قوم تو نظم را بهم زدند، پس شاهد باش و امور آنان را از نظر دور مکن / اهل و خانواده هر پیغمبر یا بزرگی که در پیشگاه خدا دارای قرب و مقام بود، نزد دیگران احترام داشت، غیر از ما که چند مرد، کینه‌های سینه خود را آشکار کردند، هنگامی که از میان ما رفتی و در میان خاک پنهان گشتی / جمعی از مردان، نسبت به ما با چهره گرفته می‌نگریستند، و مقام ما را سبک شمردند وقتی که از میان ما رفتی، دست ما امروز از همه چیز کوتاه شده است / تو نور تابان بودی که از آن نور، بهره می‌گرفتند، تو کسی بودی که از طرف خدای بزرگ، بر تو کتاب آسمانی نازل شد / و جبرئیل که آیات را نازل می‌کرد، پیوسته مونس ما بود، رفتی و با رفتن تو همه درهای خیر به روی ما بسته شد / ای کاش قبل از رفتن تو، مرگ با ما ملاقات می‌کرد، تو رفتی و جمعی به مراد ناحق خود نائل شدند / ما با رفتن تو آنچنان مصیبت زده شدیم که در تمام جهان از عرب و عجم، مصیبت هیچ مصیبت زده‌ای، به شدت مصیبت ما نمی‌رسد».

حضرت زهرا همان روزهای اول خودش این پیام را داد که تا زنده هستم اشک می‌ریزم و به آن هم عمل کرد.

زهرا جان ما هم عرض می‌کنیم ما هم تا زنده هستیم برای تو اشک می‌ریزیم، از این چشم‌ها می‌خواهیم به جای اشک برای تو خون بگیریم،

۱. الروضة من الکافی، ج ۲، ص ۲۲۹، ح ۵۶۴. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۰۸ و ج ۴۳، ص ۱۹۵-۱۹۷، ح ۲۵. الاحتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۵.



«فَسَوْفَ نُبْكَيكَ مَا عَشْنَا وَمَا بَقِيَتْ مِنَّا الْعُيُونُ» مادامی که این چشم‌های ما هست مثل باران همیشه اشک می‌ریزد. خدایا حضرت زهرا و اولاد او را در دنیا و آخرت مدد همه ما قرار بده و این قدم‌ها و گفتارها را مقبول درگاه خودت قرار بده، ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



نزول جبرئیل بر شخصیت حضرت زهرا علیها السلام و محدث بودن حضرت

در آستانه ایام فاطمیه هستیم. تجلیل از فاطمه زهرا علیها السلام فقط به عنوان این نیست که این وجود مبارک، دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، ولو همین عنوان، خود به تنهایی یک مقام بسیار بالایی است.

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند «لِفَاطِمَةَ علیها السلام تِسْعَةُ أَسْمَاءَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»، یعنی خدای تبارک و تعالی نه اسم برای فاطمه قرار داده است.

گاهی گفته می شود خدا یک یا دو اسم و عنوان برای کسی قرار داده، اما طبق این روایت برای حضرت زهرا نه اسم آن هم نزد خدا است، این خود کاشف از ابعاد گسترده این وجود شریف است که خدای تبارک و تعالی چنین عناوینی را برای او قرار داده است. این اسماء عبارتند از: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا.

در ادامه روایت امام صادق علیه السلام به آن راوی می فرمایند: «أَتَدْرِي أَي شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؟»؛ می دانی معنای فاطمه چیست؟ معلوم می شود امام صادق عنایت داشته که هر اسمی یک تفسیر خاصی دارد. فقط ترادف و مجرد تفنن در تعبیر نیست که خداوند برای حضرت زهرا این نه اسم را قرار داده است. اینها هر کدام تفسیری دارند.



راوی عرض کرد «أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي». فرمود «فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ» فاطمه می‌گویند برای اینکه از شر جدا شده است. یعنی وجود این بانو تماماً خیر است، مبرّای از جهل و ظلم و گناه و هر چیزی است که در دنیا تحت عنوان شر قرار می‌گیرد.

این تعبیر بسیار عجیبی است، یعنی تمام این وجود خیر است. بعد فرمود: «لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفْوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ»^۱. چون این وجود تماماً خیر است، کفو او هم باید چنین وجودی باشد. اگر امیرالمؤمنین نبود و با آن حضرت ازدواج نمی‌کرد تا روز قیامت از آدم تا خاتم هیچ کفوی نداشت. این تعابیر ائمه راجع به حضرت زهرا علیها السلام است.

حال بعضی افراد از روی نادانی یا عناد می‌گویند چه خبر است برای فاطمیه این همه سرو صدا می‌کنید و مراجع این همه تأکید بر آن دارند؟ اینکه مرحوم والد ما علیه السلام برای احیای فاطمیه بسیار تلاش کرد و تأکید هم داشت، ریشه‌اش در همین عنایتی است که خود ائمه نسبت به حضرت زهرا علیها السلام داشته‌اند.

اینکه امام صادق علیه السلام با گذشت حدود یک قرن پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند مادر ما فاطمه نه اسم پیش خدا دارد و هر کدامش هم تفسیری دارد، آنگاه یکی از آن اسماء را هم بیان می‌کنند برای چیست؟ برای این است که امت پیامبر و شیعیان و مسلمانان، عظمت حضرت زهرا را فراموش نکنند.

فاطمه زهرا علیها السلام چنین بانوی منحصر به فرد و برترین زنان عالم بوده است.

امام خمینی علیه السلام وقتی ایام فاطمیه فرا می‌رسید راجع به حضرت زهرا علیها السلام

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۰.



صحبت می فرمودند. در یک سخنرانی نسبت به محدثه بودن حضرت خیلی تأکید کرده و فرمودند عظمت فاطمه زهرا در همین است که بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جبرئیل به امر خدا نازل می شد و با آن حضرت سخن می گفت.

محدثه بودن بسیار مسئله مهمی است. جبرئیل بر چه کسی نازل می شود؟ آن هم به امر خداوند. آیا بر کسی که دروغ بگوید یا شهادت به دروغ دهد، نازل می شود؟ پس چطور وقتی در مسجد و در حضور خیل مردم می فرماید فدک مال من است، خلیفه اول گفت قبول نمی کنم برو شاهد بیاور!! آیا قابل تصور است کسی که جبرئیل بر او نازل می شود و با او سخن می گوید حرف غیر صحیح از لسانش خارج شود؟!

حضرت زهرا را نشناختند و هنوز هم شناخته نشده. ما هم حضرت زهرا را نشناختیم. شما در همین روایات محدثه بودن فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تأمل بفرمایید. چرأئمه عَلَيْهِمُ السَّلَام تأکید داشتند این موضوع مورد توجه مردم قرار بگیرد؟ چون در این مسأله هزاران هزار مطلب وجود دارد. اولاً محدث کیست؟ محدث کسی است که طراز و در عدل رسول و نبی قرار بگیرد. یعنی رسول، نبی و محدث هر سه در این امر مشترکند که ملائکه برایشان نازل می شود.

بریر عجللی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرق بین رسول و نبی و محدث را سؤال کرد. حضرت فرمود: «الرَّسُولُ الَّذِي تَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ وَيَعَابِيئُهُمْ وَتُبْلَغُهُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى»،^۱ رسول کسی است که در حال بیداری جبرئیل پیام خدا را برای او می آورد، «وَ النَّبِيُّ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ»، نبی ملائکه را در خواب می بیند اما آنچه او در خواب می بیند مثل این است که در بیداری دیده یعنی رتبه اش یک مرتبه پائین تر است، «وَ الْمُحَدَّثُ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلَامَ كَلَامَ

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام، ج ۱، ص ۳۶۸.





الْمَلَائِكَةِ وَيُنْفِرُ فِي أذُنِيهِ وَيُنْكِتُ فِي قَلْبِهِ»، محدث آن است که کلام ملائکه را می شنود و آن کلام به قلب او القاء می شود، این مقام محدث است، پس محدث از حیث سخن گفتن ملائکه عدل رسول و نبی است. باز امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فُتُنَادِيهَا»؛^۱ فاطمه محدثه نامیده شد و چون ملائکه از آسمان بر او فرود آمده و سخن می گفتند.

در بعضی روایات آمده حضرت (ع) به امیرالمؤمنین (ع) می گفتند یک صداهایی می شنوم و مطالبی به من گفته می شود. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند هرگاه چنین شد من را خبر کن و آنچه می شنوی بگو تا من بنویسم. در نتیجه آنچه نوشته شد، مصحف فاطمه (س) نام گرفته که البته با مصحف امیرالمؤمنین (ع) فرق دارد. در مصحف فاطمه بحث احکام و حلال و حرام الهی وجود ندارد، بلکه ملائکه آنچه که بنا هست بر ذریه حضرت و امت اسلام تا قیامت واقع شود به حضرت زهرا رسانده اند. منتهی ابتدا به صورت ندا بوده «فُتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَقْنَتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»، همان آیه مربوط به حضرت مریم را برای حضرت زهرا خوانده و می گفتند خدا تورا اختیار نموده و تطهیر کرده و برزنان عالم ترجیح داده است. پس به درگاه پروردگارت سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن. «فُتَحَدِّثُهُمْ وَ يَحَدِّثُونَهَا»، این گفتگو دو طرفه هم بوده یعنی هم فاطمه با آنها صحبت می کرده و هم آنها با حضرت.

«فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ»؛ یک شب حضرت به ملائکه فرمود: مگر مریم افضل زن های عالم

۱. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۰۶.

نیست؟ آنها در جواب گفتند: «إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا»، مریم سیده زنان زمان خودش است: «وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأُولَيْنِ وَ الْأَخِيرِينَ»، اما حساب توی زهرا جداست، تو سیده زنان زمان خودت، زمان مریم و عالم اولین و آخرین هستی.

البته در بعضی از روایات مربوط به این بحث آمده که حضرت مریم یک ویژگی داشت که حضرت فاطمه ندارد و آن اینکه خدا بدون همسر به او فرزند داد، از این جهت حضرت مریم منحصر به فرد بوده است. ولی این امتیاز قابل مقایسه با مقامات حضرت زهرا نیست. یکی از مقامات حضرت زهرا همین است که نه عنوان ریشه دار در پیش خدای تبارک و تعالی دارد.

حال جبرئیل می آمد چه می کرد؟ «كَانَ جَبْرَائِيلُ يَأْتِيهَا فَيَحْسِنُ عَزَاهَا عَلَى أَبِيهَا وَيَطِيبُ نَفْسَهَا»، رحلت پیامبر برای فاطمه بسیار سنگین بود، جبرئیل به آن حضرت تسلیت می داد و دلش را آرام می کرد «وَيُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَمَكَانِهِ» به حضرت گزارش می داد جایگاه پیامبر در آن عالم کجاست؟ «وَيُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا»، به حوادثی که برای ذریه حضرت در آینده اتفاق می افتد خبر می داد «وَ كَانَ عَلَيَّ يَكْتُوبُ ذَلِكَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ».

از این روایات استفاده می شود آن کسی که ملائکه با او سخن می گوید متوجه است که گوینده سخن، از ملائکه است. در بعضی از روایات از ائمه می پرسند حضرت زهرا علیها السلام چگونه می توانست این را بفهمد؟ چون فرد محدث ملائکه را نمی بیند بلکه بیدار نشسته و آنها با او سخن می گویند در جواب آمده آن هنگام چنان وقاری بر حضرت حاکم می شد که حضرت علم پیدا می کرد گوینده سخن ملائکه است.

حال این بحث مطرح می شود آیا غیر از وجود مبارک فاطمه زهرا علیها السلام و





ائمه معصومین علیهم السلام شخص دیگری هم می‌تواند از این خصوصیت برخوردار باشد یا نه؟

ظاهر روایت این است که چنین چیزی منتفی است. نمی‌خواهیم بگوئیم امکان عقلی ندارد، قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^۱ کسانی که گفتند خدا پروردگار ما است سپس استقامت ورزیدند ملائکه بر آنها نازل می‌شود و می‌گویند خوف و حزنی بر شما نیست.

باید روایات ذیل «ثم استقاموا» را دید، تحقق این شرط بسیار مشکل است. «ثم استقاموا» به این معناست که گناه نکند، استقامت در اعتقاد به ربوبیت الهی داشته باشد.

به نظر می‌رسد اولاً: این آیه مربوط به هنگام موت می‌باشد. یعنی کسانی که ایمان آوردند و تا آخر عمر خود استقامت ورزیدند، ملائکه الهی بر آنها نازل شده و به آنها بشارت می‌دهند.

ثانیاً اگر مربوط به دنیا باشد، این مختص به خود ائمه معصومین علیهم السلام است. قسمت آخر آیه می‌فرماید: «أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»، هر چند ممکن است بر یک عبدی از عباد خدا و اولیاء خدا، چنین حالتی هم پیش بیاید و به قلب او الهام شود که خوف و حزن نداشته باشد، البته بعید است صدا هم بشنود، ولی این نحوه محدث بودن که «تحدثهم ويحدثونها» که هر دو طرف با هم گفتگو کنند منحصر به حضرت زهرا و ائمه معصومین علیهم السلام است.

بنابراین اگر آیه شریفه را به قرینه «ثم استقاموا» مربوط به ائمه علیهم السلام بگیریم مسئله روشن است و اگر هم بگوئیم آیه عمومیت دارد باز به این کیفیت نیست که انسان معمولی متوجه شود این صدا صدای ملک است. نهایت این است که بر قلب او القاء می‌شود که حزن و خوف نداشته باش، این الهام

۱. فصلت: ۳۰.

قلبی برای خیلی‌ها قبل از اسلام هم بوده، الآن هم هست و بعد هم ممکن است خدای تبارک و تعالی توسط ملائکه افرادی را ملهم به مطالبی کند. ملهم مرتبهٔ مادون محدث است و فقط یک الهام قلبی است.

لذا محدث بودن مقامی بسیار بالا است، ما با تجلیل از فاطمه زهرا علیها السلام می‌گوئیم یک چنین شخصیتی با چنان مقامی، چرا چنین بلاها و مصائبی بر سر او آمده، آیا سزاوار است شیعه همه مقام‌ها و مصائب را کنار بگذارد و فقط بگوید رسول خدا دختری به نام زهرا داشت.

تازه این دخترگرمی قبرش کجاست؟ نمی‌دانیم، چرا نمی‌دانیم؟ چرا مجهول است؟ باید حقایق را برای عموم مردم روشن کرد.

حضرت فاطمه علیها السلام جوهر اصلی دیانت و شیعه بودن ماست. گاهی اقتضا می‌کند انسان هر حرفی را همه جا نزند. این مقامات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام را شاید ائمه ما به همه نمی‌گفتند و خیلی از مقامات را هم نفرموده‌اند ولی همه باید سعی کنیم معرفت مان نسبت به حضرت زهرا بیشتر شود.

اگر مراجع ما عزاداری بر حضرت زهرا را مطرح می‌کنند، آن آدم نادان که به تمسخر می‌گوید شیعهٔ عزاداری! شیعهٔ گریه! نمی‌فهمد این گریه و این عزا طریق است.

ما باید از این طریق به مردم بگوئیم زهرا چه شخصیتی بوده؟ شخصیتی که وقتی وارد جلسه می‌شد پیامبر با آن عظمت، با اینکه پدرش بود به احترام برمی‌خاست و چند قدم به استقبال می‌رفت، دست زهرا را می‌بوسید. آیا این رفتار تصنعی بوده؟! در یک جلسه که ابوبکر حضور داشت به پیامبر عرض می‌کند شأن شما نیست که بلند می‌شوید و دست دخترتان را می‌بوسید! پیغمبر فرمود من این را به امر خدا انجام می‌دهم.

این چه مقامی است که پیامبر با آن عظمت به امر خداوند باید بلند شود و جلوی دیگران به استقبال زهرا برود و دستش را ببوسد و بگوید: فداها ابوها.



به هر حال اگر ما از شناخت حضرت زهرا و عزاداری بر آن حضرت فاصله داشته باشیم خسارت بسیار بزرگی است. من هنوز معنای این روایات «عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى»^۱ را نفهمیده‌ام، این روایت خیلی معنا دارد، سعی کنید در این ایام فاطمیه استمداد کنیم از وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام که حضرتش را بیشتر بشناسیم. خوب مطالعه کنید، تا بتوانیم این بانورا هرچه بیشتر به مردم بشناسانیم، عزاداری‌های فاطمیه باید در اوج خودش باشد. مرحوم والد ما می فرمودند فاطمیه باید عاشورای دوم شود که بحمدالله در حال تحقق یافتن است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهیرین



ضرورت بیان فضائل و مصائب حضرت زهرا^{علیها السلام}^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه سالروز شهادت حضرت زهرا^{علیها السلام} قرار داریم. در روایتی امام باقر^{علیه السلام} نقل می‌کند «قَالَ: لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ^{علیها السلام} أَوْحَى اللهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ مَلَكٌ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ^{صلی الله علیه و آله} فَسَمَّاها فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ عَنِ الظُّمْتِ»^۲.

در مورد حضرت زهرا^{علیها السلام} دو موضوع خیلی مهم وجود دارد، اول مقامات آن حضرت است که مع‌الاسف هنوز این جهات برای خیلی از خواص هم روشن نیست چه رسد به عموم مردم، مقاماتی که این بانو با عنایت خاص خدای تبارک و تعالی پیدا کرده انسان را به خوبی به این نتیجه می‌رساند. خدای متعال یکی از پاداش‌هایی که به پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} عنایت فرمود وجود مبارک حضرت زهرا^{علیها السلام} است، آیه شریفه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» را که مشهور برفاطمه زهرا^{علیها السلام} تطبیق می‌کنند درست است که یک جنبه اصلی‌اش بیان ابر بودن دشمنان پیامبر بود «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» ولی جنبه دیگرش اعطای پاداش به پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} در مقابل زحمات فراوانش برای اسلام

۱. بیانات در درس خارج، ۲ بهمن ۱۳۹۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ب مولد الزهرا، ح ۶.





است که خود همین جهت بحث زیادی دارد. موضوع دیگر مصائب آن حضرت است. این هم عجیب است. مصائبی که بر این بی بی وارد شده از جمله مصائبی است که به تعبیر خود حضرت «صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيًا»^۱ این هردو موضوع باید با هم مورد توجه قرار بگیرد و غفلت از هیچ کدام درست نیست. اساساً خود شناخت حضرت زهرا علیها السلام باید در کتاب های درسی حوزه های علمیه، دانشگاه ها و آموزش و پرورش قرار بگیرد. نباید به این حد اکتفاء کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دختری داشت به نام فاطمه که همسر امیرالمؤمنین علیه السلام شد و در سن ۱۸ سالگی بر طبق روایت مرحوم کلینی از دنیا رفت. باید دید این بانو کیست و چه موجود شریفی در عالم است؟

اقرار به فضل و محبت حضرت زهرا علیها السلام، اكمال نبوت انبیاء

در روایت فرموده اند: نبوت هیچ نبی ای به آن درجه اعلایش تکامل نیافت مگر با اقرار به فضل حضرت زهرا علیها السلام و محبت ایشان. «مَا تَكَامَلَتِ النَّبِيُّ لِنَبِيٍّ حَتَّى أَقْرَبَ بِفَضْلِهَا وَمَعْرِفَتِهَا [مَحَبَّتِهَا]؛^۲ هر پیامبری از انبیاء گذشته اگر می خواست نبوتش به حد اعلی برسد آن جزء اخیر تکامل نبوت او اقرار به فضل حضرت زهرا علیها السلام و محبتش بوده است.»

یا در این روایت که امام باقر علیه السلام می فرماید: «لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ مَلَكٌ» هنگام تولد حضرت نام فاطمه را یک ملکی از جانب خدا بر لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داد. ادامه روایت روشن می سازد که این مجرد یک نام گذاری نبود.

ظاهر روایت این است که فاعل این نام گذاری خود خدای تبارک و تعالی

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۱۰۶.

۲. مجمع النورین، ص ۴۰.

است، بعد که می‌فرماید: «إِنِّي فَطَّمْتُكَ بِالْعِلْمِ» این به چه معناست؟

دوری و جدایی از جهل

یک احتمال این است که «قطعتك عن الجهل بسبب العلم»، اصلاً در وجود تو من اجازه نمی‌دهم جهل راه پیدا کند، من به سبب علمی که به تو عنایت کرده‌ام ریشه جهل را برای همیشه از وجود تو زدوده‌ام.

بهره‌مندی از علم در کودکی

احتمال دوم این است که علم را مقرون و همراه فطام و جدایی تواز شیر مادر قرار دادیم «جعلت فطامك من اللبن مقرونة بالعلم» این دو معنا کنایه از این است که حضرت در همان بدو خلقت، عالم به علوم ربانیه بوده و تاریخ کوتاه زندگی حضرت هم همین را نشان می‌دهد هر مسأله و هر سؤال فقهی را از حضرت می‌پرسیدند به خوبی پاسخ می‌داد. عالم به قرآن بود. استدلال‌های فراوان حضرت به قرآن کریم در خطبه فدکیه شاهد بر این است. حتی نمی‌توان گفت نزد امیرالمؤمنین علیه السلام درس خوانده است. خدای تبارک و تعالی همان علم لدنی و قوه معنوی الهیه که به ائمه معصومین علیهم السلام عنایت کرد را در وجود مبارک حضرت قرار داد.

دور کننده مردم از جهل

احتمال سوم این است که فطمتک را به صیغه باب تفعیل بخوانیم اگر فَطَّمْتُكَ باشد به این معنا می‌شود که «جعلتک قاطعة الناس من الجهل»، با صیغه مجرد فطمتک معنایش این بود جهل را از خود تو دور کردیم ولی فطمتک، یعنی تو را موجودی قرار دادیم که جامعه و بشر را از جهل نجات می‌دهد، این چه معنای بلندی است. وجود گران قدری که بشر را تا قیامت از جهل نجات می‌دهد، نه فقط شیعیان و مسلمانان را، یعنی اگر



بشربخواهد از شرّ جهل و جهالت نجات پیدا کند باید با فاطمه ارتباط داشته باشد. نه فقط مردم زمان حضرت بلکه بشر امروز و آینده اگر بخواهد خدا را بشناسد باید فاطمه را بشناسد، این حدیث افقی می‌گشاید تا بحث‌های زیادی در مسأله فاطمه‌شناسی عنوان شود.

دوری از آلودگی

در ادامه حدیث خدای تبارک و تعالی می‌فرماید «فطمتک من الطمث»، طمث یا همان خون زنانه است یا مطلق آلودگی که یک مصداقش آن خون می‌شود. معنای حدیث چنین است که این وجود شریف این قدر پاک و نورانی است که نه تنها وجودش را خداوند غرق در علم کرده بلکه از آلودگی‌های ظاهری زنان هم جداش کرده است. در بعضی از روایات فرموده‌اند «إِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَطْمَئِنُّنَّ»^۱ دختران انبیاء حیض نمی‌شوند ولی در اینجا مطلق طمث و آلودگی مراد است و اشاره اجمالی به مقام حضرت زهرا دارد.

اگر کسی این روایت را باور داشته باشد آیا در صدیقه بودن و راستگویی این بانو تردید می‌کند؟ آیا می‌تواند بر ادعای مالکیت فدک از حضرت مطالبه دلیل و بینه کند؟ مطالبه بینه از حضرت یا برای این جهت بوده که از مقامات این بانو دور بودند. همان‌طور که خود رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام را نشناختند، این بانو را هم نشناختند و این مصائب عجیب را بر حضرت وارد آوردند. ما شدت مصائب حضرت زهرا علیها السلام را وقتی می‌توانیم بفهمیم که به این مقامات توجه داشته باشیم. آنگاه انسان قلبش آتش می‌گیرد و با همه وجود خون‌گریه می‌کند یا برای این جهت بود که سران سقیفه، دختر و داماد پیامبر صلی الله علیه و آله را به خوبی می‌شناختند؛ ولی می‌خواستند آنها را در حد یک فرد عادی و معمولی نزد مردم

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۵۸.



جلوه دهند تا مانع اقبال مردم به سوی آنها شوند و این جهت شواهد فراوان دارد. همچنین اگر صدق گفتار و صدیقه بودن حضرت را تأیید می‌کردند ناگزیر می‌بایست تمام فرمایشات حضرت را در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام بپذیرند که این با غصب خلافت سازگار نبود.

فاطمه یک زن معمولی نبود. آن اهانت‌ها و آن تضييع حق و محروم کردن از ارث و آن مصیبت‌ها که بر بی‌بی وارد کردند، در مقابل این جنایتی که بر شخصیت حضرت وارد ساختند ناچیز بود، چون خداوند حضرت را برای هدایت بشر و زدودن جهل و نادانی از بشریت قرار داده بود.

باید فاطمه را بشناسیم، این بانو بعد از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله در همین مدت کوتاه ۷۵ یا ۹۰ روز، برای حفظ اسلام و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام چه کرد؟ ممکن است به ذهن فرد نادانی خطور کند چون امیرالمؤمنین علیه السلام شوهرش بود می‌خواست حق او از بین نرود، نخیر؛ فاطمه علیه السلام برای اساس اسلام احساس خطر می‌کرد، از همان روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله به رحمت خدا رفت یا شهید شد، فرمایشات بی‌بی را که کنار هم بگذارید. نه فقط خطبه فدکیه، بلکه خطبه‌ها و صحبت‌هایش با زنان مهاجر و انصار. همه یک محور دارد که انحرافی در بشریه وجود آمده و این انحراف تا قیامت در بشر باقی می‌ماند، حضرت برای این می‌سوخت و فریاد می‌زد.

می‌فرمود اگر از پیامبر صلی الله علیه و آله تبعیت کنید، اگر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را بپذیرید، نتیجه‌اش این خواهد شد که بین دو نفر اختلاف ایجاد نمی‌شود! تأکید حضرت نه فقط برای فدک بلکه برای این بود که چرا انحراف در اسلام ایجاد کردید؟ چرا ولایت حقه الهیه امیرالمؤمنین علیه السلام را ضایع کردید؟ گرچه برای احقاق حق مسلم خود که از او گرفتند و فدک را غصب کردند، عقلاً و شرعاً باید فریاد می‌زد. نباید در زمان ما شیعه‌ای پیدا شود که تشکیک در این مسائل کند.



ضرورت اهتمام به بزرگداشت فاطمیه

بحمدالله امروز فاطمیه احیاء شده است. مرحوم والد ما علیه السلام سال ۷۲ و ۷۳ در اولین سخنرانی برای احیاء فاطمیه در جمع عده‌ای ازائمه جماعات فرمودند باید راجع به فاطمیه کارکنیم، دشمن می‌خواهد فاطمیه را از ما بگیرد. آن زمان ایشان احساس خطر کرده بود، چون مقاله‌ای چاپ شده بود به عنوان «فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت» پدرما وقتی این مجله به دستش رسید بدنش شروع کرد به لرزیدن و اشک از چشمانش جاری شد فرمودند عجب! شد افسانه شهادت؟ پس شروع کرده‌اند تا در این حقایق یکی پس از دیگری تردید ایجاد کنند. وظیفه ما، هر طلبه، هر شیعه، هر مسلمانی، نه به عنوان یک تکریم استحبابی که بگوییم خوب است این کار انجام شود، نخیر؛ به عنوان وظیفه شرعی این است که فاطمیه را احیاء کنیم. لذا هیئات و منبری‌ها را دعوت کردند و آنها را ترغیب به برپایی مجالس عزاداری کردند. چندسال به طور مرتب به مردم پیام دادند، مراجع بزرگ دیگر مرحوم آیت الله العظمی تبریزی علیه السلام و مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی وحید هم برای فاطمیه فریاد زدند و عجیب این بود که همه اینها مقارن با هم شد، بدون اینکه از قبل با هم صحبت و توافقی کرده باشند و این اقدام هم ماجراهای خوب و شنیدنی دارد.

مصائب وارده بر حضرت در کتب اهل سنت

بحمدالله بعد از اینکه مراجع بزرگ ما فریاد احیای فاطمیه را بلند کردند تحقیقات گسترده‌ای انجام شد و مدارک زیادی از منابع خود اهل سنت در مورد مصائبی که بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شد از پشت درب قرارگرفتن، از آتش زدن درب و هجوم به بیت، از سقط جنین، از ضربه زدن قنفذ و دیگر مصائب به دست آمده است.



در صفحه ۳۴ جلد دوم *فرائد السمطين* جوینی که استاد ذهبی است و خیلی هم مورد اعتماد اهل سنت است از ابن عباس نقل می‌کند که «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ أَقْبَلَ الْحَسَنُ ﷺ، يَكُ رُوزِ بِيَامِبِرِ نَشِيسْتَه بُونَد كِه اِمَام حَسَن ﷺ وَاَرْد شُد، «فَلَمَّا رَأَاهَا بَكِي»، حَضْرَت وَقْتِي اِمَام حَسَن ﷺ رَا دِيْد شُرُوع كَرْد بِه گَرِيَه كَرْدَن «ثُمَّ قَالَ اِلَيَّ اِلَيَّ يَا بُنَيَّة»، سِپَس اُو رَا بِه سُوِي خُوْد خُوَانَدَنَد و رُوِي پَاِي رَا سِت خُوْد نَشَانَدَنَد. بَعْد اِمَام حَسِيْن ﷺ وَاَرْد شُد حَضْرَت شُرُوع كَرْدَنَد بِه گَرِيَه كَرْدَن و اِمَام حَسِيْن ﷺ رَا رُوِي پَاِي چِپ خُوْد نَشَانَدَنَد، سِپَس حَضْرَت زَهْرَا ﷺ وَاَرْد شُد «ثُمَّ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهَا بَكِي ثُمَّ قَالَ اِلَيَّ اِلَيَّ يَا بُنَيَّة فَاجْلَسَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ»، حَضْرَت مَجْدَد گَرِيَسْتَنَد و فَاطِمَه زَهْرَا ﷺ رَا مَقَابِل رُوِي مَبَارَك شَان نَشَانَدَنَد «ثُمَّ أَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهُ بَكِي» آَنگَاه اَمِيْر اَلْمُؤْمِنِيْن ﷺ وَاَرْد شَدَنَد بِيَامِبِر ﷺ بَا ز شُرُوع كَرْدَنَد بِه گَرِيَه كَرْدَن و فَرْمُوْدَنَد بَرَاْدَر مَن بِيَا دَر سَمْت رَا سِت مَن بَنَشِيْن «ثُمَّ قَالَ اِلَيَّ اِلَيَّ يَا أَخِي فَمَا زَالَ يَدْنِيهِ حَتَّى اجْلَسَهُ اِلَى جَنْبِهِ الْأَيْمَنِ» بَعْد اَصْحَاب بِه رَسُوْل خُدَا ﷺ عَرَض كَرْدَنَد يَا رَسُوْل اَللّٰه اَيْن چِه چِيْزِي اِسْت كِه مَا اَمْرُوْز مِي بِيْنِيْم؟ حَسَن ﷺ وَاَرْد شُد گَرِيَه كَرْدِي، حَسِيْن ﷺ وَاَرْد شُد گَرِيَه كَرْدِي، فَاطِمَه و عَلِي ﷺ وَاَرْد شَدَنَد گَرِيَه كَرْدِي؟ فَرْمُوْد گَرِيَهُ مَن بَرَاِي مَصَائِبِي اِسْت كِه بَرَهْمَه اَيْنِهَا وَاَرْد مِي شُوْد و شُرُوع بِه بِيَان تَك تَك مَصَائِب كَرْدَنَد.

وَ قْتِي بِه ذَكْر مَصَائِبِي رَسِيْدَنَد كِه بَر حَضْرَت زَهْرَا ﷺ وَاَرْد مِي شُوْد فَرْمُوْدَنَد: «فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَأَتَى لَمَّا رَأَيْتَهَا ذَكَرْتُ مَا يَصْنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَقَدْ دَخَلَ الدُّلُّ فِي بَيْتِهَا» مِي بِيْنَم كِه خَانَه دَخْتَر مَن رَا مَوْرَد اِهَانْت قَرَار مِي دَهْنَد. بَا چِه وَضْع فَجِيْعِي وَاَرْد اَيْن خَانَه مِي شُوْنَد؟ خَانَه اِي كِه خُدَاي تَبَارَك و تَعَالِي مِي فَرْمَايِد بِه خَانَه هَر مَسْلَمَانِي كِه مِي خُوَاهِيْد وَاَرْد شُوِيْد بَا اِجَاْزَه وَاَرْد شُوِيْد، اَيْنِهَا بَا آتَش زَدَن اِجَاْزَه گَرَفْتَنَد. «وَأَنْتِ هَكَتْ



حُرْمَتُهَا وَغَضِبَتْ حَقَّهَا وَمِعَتْ إِزْثَهَا كُسِرَ جَنْبُهَا وَأَسْقَطَتْ جَنِينَهَا»
 هتک حرمتش کرده و حقش را غصب می‌کنند، از ارث ممنوعش
 می‌کنند، پهلویش را می‌شکنند و جنینش را سقط می‌کنند. «وَهِيَ
 تُنَادِي: يَا مُحَمَّدَاهُ! فَلَا تُجَابُ وَتَسْتَعِيْثُ فَلَا تُعَاثُ» من را صدا می‌زند و
 احدی جواب او را نمی‌دهد. استغاثه می‌کند هیچ‌کس به فریادش
 نمی‌رسد! «فَلَا تَزَالُ بَعْدِي مَحْزُونَةٌ مَكْرُوبَةٌ بَاكِيَةٌ»، دخترم بعد از من آرامش
 و شادی نخواهد داشت و دائماً محزون و اندوهگین و گریان است «فَتَكُونُ
 أَوَّلَ مَنْ يَلْحُقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدُمُ عَلَيَّ مَحْزُونَةٌ مَكْرُوبَةٌ مَعْمُومَةٌ مَعْصُوبَةٌ
 مَقْتُولَةٌ» اول کسی است که از اهل بیتم به من ملحق می‌شود در حالی که
 مقتوله است. وقتی پیش من می‌آید شهیده بر من وارد می‌شود، «يَقُولُ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَن مَن ظَلَمَهَا وَعَاقِب مَن غَضَبَهَا وَذَلَّل
 مَن أَدْلَهَا وَخَلِد فِي نَارِكَ مَن ضَرَبَ جَنْبِيهَا حَتَّى أَلْقَتْ وَلَدَهَا فَتَقُولُ
 الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ آمِينَ.»، پیامبر ﷺ نفرین و لعن کردند بر ظالمین به این
 بانو و آنها که حقش را غصب کردند و ضربه بر پهلویش زدند و فرزندش را
 سقط کردند. وقتی حضرت نفرین کرد ملائکه الهی آمین گفتند. این
 حدیثی است که در یک کتاب معتبر از اهل سنت وارد شده و تصریح به
 جنایت‌هایی دارد که در حق حضرت وارد شده است.

این یک بحث احساسی در بین شیعه نیست که انسان بخواهد
 احساسات افراد را برانگیزد، اینها حقایقی است که در کتب شیعه و سنی
 وجود دارد، بنابراین همان‌طور که ما باید به مقامات حضرت زهرا توجه
 کنیم به این مصائب غیرقابل تردید هم باید توجه کنیم، اصلاً نیازی به
 کتاب ندارد. الآن بعد از ۱۴۰۰ سال که از شهادت این بی‌بی می‌گذرد
 می‌پرسیم قبر آن بی‌بی کجاست؟ خواهند گفت فلان جا، ممکن است در
 بعضی از روایات ما هم اشاره به جایی شده باشد اما آنها را باید حمل بر



تقیه کرد، چون مسلم است که بنا بر وصیت آن حضرت، قبر آن حضرت مجهول است، وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام فاطمه علیها السلام را دفن کرد یک روایت معتبر در کافی می فرماید «عَفَا عَلَيَّ مَوْضِعَ قَبْرِهَا»^۱ حضرت آثار قبر را محو کرد تا معلوم نشود اینجا کسی دفن گردیده است.

ما باید نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بیشتر توجه کنیم، چه سرمایه ای بالاتر از این برای قیامت ماست؟ من نمی گویم فقط به مسأله مصیبت خوانی و دسته های عزاداری بپردازیم که اینها همه باید باشد، منتهی تلاش کنیم حضرت زهرا علیها السلام را بشناسیم، از خود حضرت استمداد کنیم در مباحث علمی مان متوسل به او شویم. این بی بی سرمایه ای است که نظیر ندارد، نه قبل و نه بعد از او، سیده نساء الاولین و آخرین است. به راحتی از کنار این قضیه نگذریم.

انقلاب اسلامی و احیای ولایت

ما با فاطمه علیها السلام می خواهیم اسلام را نگه داریم، شیعه و انقلاب را نگه داریم. انقلاب ما یک پرتواز عظمت آن حضرت است. ایثارگری مردم فداکار و جان فشانی های شهدای گران قدر انقلاب گوشه ای از ادای حق ملت ما به آن حضرت است. ما با این انقلاب، امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد او را در دنیا محور قرار داده ایم، می گوئیم زیر پرچم امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد امیرالمؤمنین هستیم که محور همه آنها فاطمه زهرا علیها السلام است. انقلاب ما پرچمش ولایت است، با انقلاب اسلامی، فاطمه علیها السلام در دنیا اوج گرفت، امیرالمؤمنین علیه السلام در دنیا اوج گرفت، عده ای که با انقلاب مخالفند سنگ ولایت به سینه زده و می گویند این انقلاب مثلاً با ولایت چه کرد! این افراد اشتباه می کنند! ممکن است یک کسی یک مسئولی یک دولتی خطایی و خیانتی کند،

۱. کافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۵۸.



ولی آنها به خودشان خیانت می‌کنند. این انقلاب به برکت آن روح پاک و قدسی امام خمینی علیه السلام و خون‌های شهیدان و خون پاک شهید قاسم سلیمانی این سردار عزیزی که با شهادتش انقلاب از نوزنده شد ولایت را احیاء کرده است.

پرچم این انقلاب احیای فاطمه زهرا علیها السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت است، ما زیر این پرچم سینه می‌زنیم و همه عشق‌مان همین است، لذا وظیفه داریم شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام و سخنانی را که در قضایای مختلف زده که یکی از آنها خطبه فدکیه است، هر چه بیشتر تبیین کنیم که این کار خدمت به اسلام و اهل بیت علیهم السلام و انقلاب است ان شاء الله. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام در رثای حضرت زهرا علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

چون این ایام مصادف با شهادت فاطمه زهرا علیها السلام است در این رابطه لازم است چند جمله‌ای بیان کنم.

خدا را شکر در این دوده اخیر در حوزه مقدسه علمیه قم، مراجع بزرگ خصوصاً مرحوم والد ما حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمدفاضل لنکرانی رحمته الله اهتمام ویژه‌ای برای احیای فاطمیه مبذول داشته و قدم‌های بزرگی را برداشتند، خصوصاً پیام‌های مهمی که صادر کردند به طوری که در وصیت‌نامه خود فرمودند یکی از کارهایی که در این عالم انجام دادم و در عالم قبر و قیامت به آن امیدوار هستم پیام‌هایی است که در مورد احیای فاطمیه و عزاداری آن حضرت داده‌ام.

بحمدالله آرام آرام مراسم فاطمیه تثبیت شد و امروز هم بر من و شما و همه طلاب لازم است که این امر را پیگیری کنیم و در هر سال بتوانیم با ابعادی از شخصیت بی نظیر این بی بی، حسب آنچه در آیات و روایات وارد شده آشنا شده و در درجه اول معرفت خود را نسبت به حضرت زیادتر کرده و در درجه بعد آن را برای مردم بیان کنیم.

۱. بیانات در درس خارج فقه، ۲۴ دی ۱۳۹۹.

۱۰۷



شخصیت حضرت زهرا علیها السلام

من هنوز معنای این روایت «وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونِ الْأُولَى»^۱ را نفهمیده‌ام چیست! به نظرم مثل همان تعبیر به لیلۃ القدر که فرموده‌اند فاطمه زهرا علیها السلام لیلۃ القدر است، از الفاظی است که معنایش برای ما مجهول است، البته نه معنای تحت اللفظی اش، بلکه حقیقت آن، هم چنان که خداوند به پیامبرش می‌فرماید ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾^۲ حقیقت حضرت مثل حقیقت شب قدر مجهول است، اینکه فرموده‌اند «سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا»^۳، این تعابیر عجیب است، یعنی خدای تبارک و تعالی یک زن آفریده که بشر تا قیامت به معرفت آن زن نخواهد رسید. حضرت فاطمه علیها السلام انسانی مثل بقیه انسان‌ها نبود، تمام خصوصیاتش، از ولادت تا شهادت، مورد عنایت خاص خدای تبارک و تعالی بود.

اینکه وقتی فاطمه علیها السلام وارد مجلس می‌شود، پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌خیزد و به استقبالش می‌رود و دست او را می‌بوسد، چنان مورد توجه حاضرین قرار می‌گیرد که بعضی از اصحاب به پیامبر صلی الله علیه و آله اعتراض می‌کنند این کار مناسب شما نیست که در انظار عموم دست زهرا علیها السلام را می‌بوسید. پیغمبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به آنها فرمود من این کار را به امر خدا انجام می‌دهم.^۴ خود این پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله حرف خیلی عجیبی است.

ما وظیفه داریم در هر سال معرفت خودمان، جامعه، خصوصا جوانان

۱. أمالی (شیخ طوسی)، ج ۱، ص ۶۶۸. (ابی بصیر عن ابی عبدالله: ان الله أمهر فاطمه ربع الدنيا فربها لها وأمهرها الجنة والنار تدخل أعداءها النار و تدخل أولبائها الجنة وهي الصديقة الكبرى وعلی معرفتها...).

۲. قدر: ۲.

۳. بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۶۵ (عن الصادق علیه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا).

۴. تحفة الإحوذی: ج ۱۰، ص ۲۵۳، ح ۵۸.



را نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بالا ببریم. تلاش کنیم تا یک اندازه‌ای بفهمیم فاطمه علیها السلام که بود؟ ان شاء الله این وظیفه را به احسن وجه انجام بدهیم، هر کسی هر کاری از او راجع به عزاداری حضرت زهرا علیها السلام برمی آید نباید کوتاهی کند، آنکه توانایی دارد سخنرانی کند، دیگری مرثیه سرایی کند، مردم عادی هم یک پارچه عزا بر سردرب خانه شان قرار بدهند.

نه اینکه آن بی بی نیاز داشته باشد نسبت به ظلم‌هایی که بر او وارد شد عزاداری کنیم، او نیازی ندارد، اما اگر ما بخواهیم در برابر چنین فاجعه‌ای که آن همه ظلم و مصیبت بر محبوب‌ترین خلق خدا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد نمودند بی تفاوت باشیم، شیعه بودنمان زیر سؤال می‌رود.

بی‌تابی علی بن ابی‌طالب علیه السلام هنگام دفن حضرت

جملات امیرالمؤمنین علیه السلام را بعد از دفن فاطمه زهرا علیها السلام بارها بالای منبر خوانده‌اید. حضرت فرمود «إِلَى اللَّهِ أَشْكُو»، محضر خدای تبارک و تعالی دادخواهی کرده و می‌فرماید «أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ، وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»، این تعبیری که حجت خداست که می‌گوید حزن من دیگر دائمی است و از شدت این مصیبت باید شب‌ها تا به صبح بنشینم و اشک بریزم.

اول کسی که برای فاطمه زهرا علیها السلام مرثیه خوانی کرد و روضه خواند خود امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از دفن همسرش کنار قبر حضرت بود. برای پی بردن به اندکی از عظمت بی‌بی دو عالم کافی است به این تعابیر امیرالمؤمنین علیه السلام در رثای حضرت دقت کنیم:

«فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تُرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ»، وقتی دستش را از خاک قبر برداشت حزن عالم تمام وجودش را گرفت، «وَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَّيْهِ» اشک‌هایش صورت حضرت را فرا گرفت. از این به بعد حضرت چکار کند؟ با چه کسی حرفش را بزند؟ به چه کسی دردش را بگوید؟ «وَ حَوْلَ



وَجَهَّهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ هَيْجَ رَاهِي نِدَاسْتِ جَزِينَاهُ بَرْدَنَ بِهٖ پِيَامِبِرِ ﷺ، هَيْجَ چيز او را آرام نمی‌کرد جز اینکه با پیامبر ﷺ حرف بزند، از شدت این مصیبت رو کرد به قبر پیامبر ﷺ و فرمود «السَّلَامُ عَلَيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَتِي وَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ حَبِيبَتِكَ، وَ قُرَّةَ عَيْنِكَ وَ زَائِرَتِكَ، وَ الثَّابِتَةَ فِي الثَّرَى بِثُقَعَتِكَ»، نه فقط از جانب خودش بلکه از جانب این مهمانی هم که تازه بر رسول خدا ﷺ وارد شده سلام داد. سلام از طرف دختر و نور چشم و زائر خودت، «الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُورَةَ اللَّحَاقِ بِكَ» سلام از طرف کسی که خداوند او را چه زود از ما گرفت و چه با سرعت او را به تو ملحق کرد.

خیلی عجیب است امیرالمؤمنین علیه السلام عرض می‌کند: «قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَضَعْفَ عَنْ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ تَجَلُّدِي...؛ من دیگر نمی‌توانم در مقابل مصیبتی که وارد شده صبر کنم»، «قَدْ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةَ» یا رسول الله امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد اما بنگر به آنچه که دادی و آنچه گرفتی که چقدر تفاوت دارد؟! «وَأَخَذَتِ الرَّهْيْنَةَ، وَ اخْتَلَسَتِ الزُّهْرَاءُ» زهرا ناگهان از من گرفته شد، «فَمَا أَفْبَحَ الْخَضْرَاءُ وَ الْعَبْرَاءُ» دیگر آسمان و زمین تمامش برای ما تاریک و زشت است. چه تعبیر عجیبی: اینها تعابیر ساده‌ای نیست چون حقیقت فاطمه علیها السلام به همه عالم بستگی دارد.

«يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمَا حُزْنِي فَسَرَمَدٌ، وَأَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ، لَا يَبْرُحُ الْحُزْنُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي فِيهَا أَنْتَ مُقِيمٌ» این حزن و اندوه تا آخر عمر در قلب من وجود دارد و از آن بیرون نمی‌رود، «كَمَدٌ مُقَيِّحٌ»، این غم و اندوه همانند یک غده چرکینی در وجود من است، یعنی یک غم عادی نیست که بیاید و زود برود! غم چرکینی است که در بدن می‌ماند و وجود مرا می‌خورد «وَهُمْ مُهَيِّجٌ، سَرَعَانَ مَا فَرَّقَ بَيْنَنَا»، چقدر زود بین ما جدایی افتاد. بعد می‌گوید «وَالِيَّ اللَّهُ أَشْكُو»، من به خدا شکایت می‌کنم، این



دادخواهی امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از فوت حضرت زهراست که باید یک زمانی این شکایت مطرح شود و مورد حساب و کتاب قرار گیرد. ای رسول خدا از دختری پیرس که امت تو بعد از تو او را هضم کردند، «فَأَسْتَحْبِرُهَا الْحَال» اخبار بعد از ارتحالت را از او سؤال کن، «فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصُدْرِهَا» اگر سینه زهرا را ببینی ظلم و ستمی که بر او شده در درونش موج می زند. این عبارت در *مالی* شیخ صدوق، شیخ مفید و کافی نوشته شده است.

«وَلَوْلَا غَلْبَةُ الْمُسْتَوَلِينَ عَلَيْنَا لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ عِنْدَ قَبْرِكَ لِرِزَامًا، وَالتَّابَتْ عِنْدَهُ مَعْكُوفًا» برخی جاهلان می گویند چه خبر است؟ یک کسی ۱۴۰۰ سال پیش بر او ظلمی شده به الآن چه ربطی دارد؟ نمی فهمند! جاهلند! امیرالمؤمنین علیه السلام آن شخصیتی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نظیر ندارد، می گوید اگر به خاطر این دشمنانی که درصدد یافتن قبر زهرا علیها السلام هستند تا جنازه اش را بیرون بیاورند، نبود تا آخر عمر کنار قبر زهرا می نشستم و معتکف قبرش می شدم، یعنی اینقدر مصیبت سنگین است.

«وَلَا عَوْلَ إِعْوَالَ التَّكْلِ عَلَى جَلِيلِ الرِّزِيَةِ» مثل یک زن بچه مُرده بر عظمت این مصیبت گریه می کردم، چه تعابیر عجیبی است. «فَبَعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ بِنْتُكَ سِرًّا، وَيَهْتَضَمُ حَقُّهَا قَهْرًا» در مقابل چشم خدا دخترتورا باید پنهانی دفن کنم، در مقابل چشم خدا حق او را بلعیدند و به زور و غلبه آشکارا از ارث محرومش کردند «وَلَمْ يَطَّلِ الْعَهْدُ» در حالی که تازه از دنیا رفته بودی، و زمانی از فوت شما طول نکشیده بود این ظلم ها بر دخترتو وارد شد.

دوباره عرض می کند «فَالِیَ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى» این شکایتی است که فقط در قیامت باید محضر خدا به خدا عرض کنم، «وَفِيكَ أَجْمَلُ الْعَزَاءِ، فَصَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَيْكَ...».



مرثیه این است که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از دفن حضرت زهرا علیها السلام فرموده است. وقتی امام ما در مصیبت فقدان آن حضرت همیشه عزادار است ما هم در زمان حاضر معتقدیم بدون هیچ تردیدی حضرت حجت علیه السلام این حال را دارند و می‌گویند خدایا من بر مصیبت‌هایی که بر مادرم وارد شده بر تو شکایت می‌برم. بنابراین ما باید عزاداری را هرچه بیشتر و باشکوه‌تر و با معرفت بیشتر برگزار کنیم که این توفیق بزرگی است.

توسل آیت‌الله العظمی فاضل علیه السلام به حضرت زهرا علیها السلام

این خاطره را از مرحوم والد علیه السلام که شخصیتی واقعا فاطمی و احیاگر فاطمیه بود عرض کنم. روزی از ایشان سؤال کردم شما چرا همیشه به حضرت زهرا علیها السلام متوسل می‌شوید؟ از این بانو چه دیده‌اید؟ مخصوصاً در چند ماهه آخر عمرشان که با احدی صحبت نمی‌کرد و دائماً در حال خودش بود، فقط گاهی سر مبارکش را بالا می‌آورد می‌گفت السلام علیک یا فاطمة الزهراء علیها السلام، من گفتم شما خیلی متوسل به حضرت زهرا علیها السلام می‌شوید؟ فرمودند من از کودکی هر مشکلی داشتم متوسل به حضرت زهرا علیها السلام می‌شدم، خیلی هم به ما سفارش می‌کرد و در وصیت‌نامه‌شان هم توصیه فرمودند فاطمیه را احیا کنید، عزاداری کنید، انجام وظیفه کنید.

یک عده‌ای از علمای خراسان خدمت ایشان آمده بودند و ایشان فرمودند آقایان من به حسب ظاهر بیش از ۵۰ سال درس گفتم، کتاب نوشتم، شاگردان زیادی تربیت کردم، این توفیقی بوده که خدا به من داده ولی برای قیامت به هیچ یک از اینها امید نبسته‌ام. البته نمی‌خواستند ارزش این کارها را کم کنند، بلکه گفتند من به اینها امید نبستم، آنچه که امید به آن دارم این فریادی است که برای احیای فاطمیه سرداده‌ام، ما هم همین مسیر را خودمان، فرزندانمان، دنبال کنیم که مسلماً آثار بسیار بزرگی در پی خواهد داشت.



خشم و خشنودی فاطمه علیها السلام خشم و خشنودی خدا

می‌خواستیم این روایت پرمعنا را هم بخوانیم «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعِصَابِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا» که وقت نیست، فقط این جمله را عرض کنم جایگاه کسی که مورد غضب خدا قرار بگیرد کجاست؟ خداوند می‌فرماید «وَمَنْ يَخْلُلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى»،^۱ کسی که غضب خدا بر او قرار بگیرد در آتش سقوط می‌کند. این خیلی عجیب است که پیامبر مکرر فرموده است خدای تبارک و تعالی به غضب زهرا غضب می‌کند عاقبت کسی هم که خداوند بر او غضب کند سقوط در نار و آتش است.

در یک نقل دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: «مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِي»، اگر کسی فاطمه را دوست داشته باشد در بهشت کنار من خواهد بود، «وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ» کسی که بغض فاطمه را داشته باشد در آتش جهنم است. در آخرین روایت هم یک بشارت برای شیعیان فاطمه زهرا علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود وای بر کسانی که ظلم به فاطمه و همسر و فرزندان و شیعیان او کنند. «وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ بَعْلَهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عليه السلام وَوَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَشِيعَتَهَا»^۲ می‌دانست بعد از خودش چه ظلم‌هایی به فاطمه علیها السلام خواهد شد، خداوند چه صبری به پیامبر صلی الله علیه و آله داده بود. این بشارتی برای شیعیان فاطمه زهرا علیها السلام است که دشمنانشان مورد خشم و غضب خداوند قرار می‌گیرند.

به امام صادق علیه السلام عرض می‌کنند^۳ نقل شده «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعِصَابِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا»، حضرت می‌فرماید: بله چنین نقلی درست و

۱. طه: ۸۱.

۲. إرشاد القلوب: ج ۲، ص ۲۹۴.

۳. بحار الانور: ج ۴۳، ص ۲۲. با تعبیر دیگر در کنز العمال و جامع الاحادیث سیوطی آمده است: ان الله لیغضب لیغضب فاطمة. جامع الاحادیث، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۷۰۹۸. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۴۷۳.





مسلم است و عجیب این است که سلسله سند هم خود امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام، از امام سجاد علیه السلام، از امام حسین علیه السلام، از علی بن ابی طالب علیه السلام، تا رسول خدا صلی الله علیه و آله، است. بعد آن شخص می‌گوید چطور می‌شود خدا به خاطر غضب یک زن غضب کند؟ اینجا امام صادق علیه السلام نکته‌ای را بیان می‌فرماید، ظاهراً فرد سؤال کننده فردی از اهل عامه به نام صندل بوده است. حضرت از او می‌پرسد مگر خود شما روایت نکردید خدا به غضب یک مؤمن غضب می‌کند؟ می‌گوید بله، حضرت می‌فرماید آیا فاطمه علیها السلام مؤمن نیست؟ آن فرد سخن حضرت را قبول کرده و بعد می‌گوید «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۱ از ذیل این حدیث معلوم می‌شود که صندل شیعه نبوده است، در بعضی از نقل‌ها هم راوی را فرد دیگری نقل می‌کنند!

حدس بنده این است برای اینکه «إِنَّ اللَّهَ يُغْضِبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ» را موهون کنند در طرف مقابل آمدند گفته‌اند «ان الله يغضب لغضب عبده المؤمن»، این حدس را بعید نمی‌دانم! ولی آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما رسیده «إِنَّ اللَّهَ يُغْضِبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ وَ يُرْضَى لِرِضَاهَا» است. ما باید این روایت را که خداوند با غضب فاطمه علیها السلام غضب می‌کند درست بفهمیم آن وقت قرآن را که ببینیم می‌فرماید: کسی که مورد غضب خدا قرار گیرد گرفتار عذاب الیم و عظیم خواهد شد.

ما شهادت فاطمه زهرا علیها السلام را خدمت امام زمان علیه السلام که اول عزادار و بزرگ عزادار این مصیبت است تسلیت عرض می‌کنیم و از آن وجود مقدس می‌خواهیم که برای ایمان و یقین ما شیعیان به ولایت اهل بیت علیهم السلام و برای عاقبت بخیری و حل مشکلات شیعه و جهان اسلام خصوصاً مشکلات نظام مقدس جمهوری اسلامی دعا کنند تا بلاها هر چه زودتر برطرف شود.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. انعام: ۱۲۴.